

نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در تخریب محیط زیست ایران

مهرداد مهرپور محمدی

mehrdadmehrpour@yahoo.com

در دوران حکومت رژیم جمهوری اسلامی بر ایران، تخریب فراوانی در طبیعت و محیط زیست کشور صورت گرفته است به نحوی که از برخی پدیده های طبیعی، فقط نامی باقی مانده است و نسل های آینده می باید با مراجعه به منابع در دسترس؛ با شرح و تصویر چشمه ها، رودخانه ها، مرداب ها، جنگل ها، مراتع و ... آشنا شوند که به همت دست اندرکاران جمهوری اسلامی- ازدست رفته است و وجود خارجی ندارد.

در میان نابودگران محیط زیست ایران، نیروهای مسلح حکومت جمهوری اسلامی نقش برجسته و پررنگی دارند. در بین این نیروها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکه تاز و در تخریب محیط زیست از همه فعالتر و کوشاتر است و چنان که از شواهد برمی آید، به تنهایی سهمی بیش از سایر نیروهای نظامی و انتظامی را داراست.

من در این نوشته نگاهی به فعالیت های تخریب گرانه (سازمانی و گروهی) نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی دارم. فعالیت های یادشده را در چند بخش جداگانه دسته بندی نموده ام که عبارتند از: برگزاری مانورهای نظامی در طبیعت، به آتش کشیدن جنگل ها، دفع مواد زاید در طبیعت، ساخت پادگان و مراکز نظامی، ساخت مجموعه های اداری و مسکونی، تصرف زمین های منابع طبیعی و حفاظت شده و فروش آن ها (زمین خواری)، برداشت چوب، و قتل جنگلبانان و محیط بانان. فرم های تخریب گفته شده، کمیت و کیفیت خود را دارا می باشند که با یکدیگر تفاوت دارد و هر کدام در جای خود بسیار مهم است.

ممکن است در برخی از این عناوین شباهت هایی به نظر برسد، از جمله آتش سوزی در عرصه های منابع طبیعی، یکی از نتایجی است که گاه در پی برگزاری مانورهای نظامی در طبیعت رخ می دهد که با به آتش کشیدن جنگل ها که به عمد توسط نیروهای حکومتی صورت می گیرد تفاوت دارد و در به آتش کشیدن جنگل ها، منظور آتش سوزی های عمدی است که به قصد نابود کردن پوشش گیاهی یک منطقه صورت می گیرد. در مجموع تمام این اعمال تخریبی که با انگیزه های اقتصادی و سیاسی و امنیتی انجام گرفته و می گیرد، آسیب های جبران ناپذیری را متوجه محیط زیست و مردم ایران ساخته و می سازد.

برای پرهیز از طولانی شدن متن اصلی، توضیحات بیشتر مربوط به هر موضوع را، در بخش «منابع و پی نوشت ها» آورده ام که علاقه مندان می توانند به آن جا رجوع نمایند. همچنین، تاکیدها و نوشته های داخل قلاب (کروشه) در مقاله، از من است.

۱- برگزاری مانورهای نظامی در طبیعت

برگزاری مانورهای نظامی در مناطق و محیط های طبیعی، آسیب های زیادی را به محیط زیست ایران وارد آورده است. برگزاری مانورهای نظامی دارای سابقه دیرینه ای است که همچنان ادامه دارد، و حجم این مانورها به ویژه هنگام بروز بحران های داخلی و گسترش نارضایتی مردم و نیز تنش میان جمهوری اسلامی و کشورهای دیگر، افزایش می یابد.

یک گزارش- که در بهمن ۱۳۸۷ منتشر شده است- به برگزاری مانورهای نظامی در پارک ملی کویر که از مهمترین مسایل و مشکلات پارک مزبور است- و البته انکار مسئولین مربوطه- و آثار و نتایج منفی مانورهای مربوطه چنین اشاره می کند: «وقتی برای تهیه گزارشی درباره مشکلات و معضلاتی که گریبانگیر پارک ملی کویر است به اداره محیط زیست سمنان رفتم در آنجا، مسئولان مشکلات پارک را در ۳ عبارت مطرح کردند؛ ۱- چرای بی رویه دام ۲- شکار غیرمجاز ۳- کمبود تجهیزات و نیروی انسانی؛ سه مشکل دامن گیر تمام پارک های ملی ایران. اما وقتی بیشتر پرس و جو کرده و در منابع دیگر به سراغ معضلات این پارک رفتم و با افراد مختلف مصاحبه کردم با مسائل جدیدی روبه رو شدم؛ مسائلی چون انجام طرح های نفتی، عبور راه آهن بادرود- گرمسار از پارک و برگزاری مانورهای نظامی و مسابقات رالی در منطقه حفاظت شده کویر که نقش سپر پارک را ایفا میکند؛ مسائلی که هر یک از مسئولین به نوعی از مطرح کردن آن خودداری کردند و شدیداً مصر بودند که این پارک به غیر از ۳ مورد ذکر شده در طرح مدیریت هیچ مشکل مدیریتی ندارد، ضمن آن که در مورد شکار غیرمجاز و چرای بی رویه هم یادآور شدند که با اقداماتی که در این زمینه صورت گرفته این موارد هم دیگر جزو مشکلات پارک محسوب نمی شوند و فقط مربوط به گذشته اند ... نکته قابل توجه این که در حال حاضر منطقه حفاظت شده کویر که نقش سپر پارک را ایفا میکند هرازگاهی میزبان مانورهای نظامی است اما دامنه این مانورها محدود به منطقه حفاظت شده نیست. اگر گذرتان به پارک ملی کویر افتاد می توانید آشیانه های تانک ها و پوکه های فشنگ را در این پارک ببینید، سر و صدای مسابقات رالی در منطقه حفاظت شده کویر را هم به صدای مانورهای نظامی اضافه کنید، حال تصور کنید که گونه های گیاهی و جانوری موجود در پارک چه وضعیت اسفباری دارند. فراموش نکنیم که دلیل اصلی حذف گورخر از این پارک احساس عدم امنیت در پارک بود...»^۱

به دنبال اعتراض های جامعه نسبت به برگزاری مانورهای نظامی در مناطق حفاظت شده محیط زیست، در آذر ماه ۱۳۸۶، ستاد کل نیروهای مسلح، بخشنامه ای در خصوص ممنوعیت انجام رزمایش نظامی در پارک های ملی صادر نمود. انتشار این خبر امیدواری برخی فعالان زیست محیطی را در پی داشت: «... بعد از این دیگر امنیت و آرامش هیچ پناهگاه حیات وحش و هیچ پارک ملی ای تهدید نمی شود. پارک ملی نای بند، منطقه حفاظت شده دنا، پارک ملی خجیر، پارک ملی سرخه حصار، منطقه حفاظت شده جاجرود، پارک ملی و منطقه حفاظت شده کویر و... همه اکوسیستم های بکری هستند که در سال های گذشته بنا به ضرورت های خاص برای انجام رزمایش در اختیار نیروهای مسلح کشور قرار گرفته بود ... نتیجه این اقدامات در سال های گذشته چیزی نبوده جز رانده شدن و مهاجرت گروهی گله های آهو و قوچ و میش و کل و بز و گورخر به بیرون از مناطق و بعد هم شکار آنها. در برخی موارد هم لاشه جنین های روی زمین به جا مانده که در اثر ترس و وحشت جانوران ماده سقط شده و از بین رفته اند و یا بعضاً لاشه جانورانی که اشتباهاً هدف گلوله یا خمپاره قرار گرفته اند و در این گیرودار قربانی شده اند...»^۲

اما از آن جا که بخشنامه گفته شده، برای فریب افکار عمومی صادر گردیده بود، نیروهای نظامی مستقر در پارک های ملی و مناطق حفاظت شده، اقدامی در جهت اجرای آن و خروج از آن مناطق و توقف عملیات و مانورها انجام ندادند. گزارش دیگری که در آبان ماه سال ۱۳۸۹ (در حدود ۳ سال پس از صدور بخشنامه ستاد کل نیروهای مسلح رژیم) منتشر گردیده است، به خوبی

نشان می دهد که هیچ اقدام مثبتی در جهت جلوگیری از حضور نیروهای نظامی و انجام فعالیت هایشان صورت نگرفت:

«پارک ملی و منطقه حفاظت شده کویر از دیروز تا امروز: ... منطقه حفاظت شده کویر که روزگاری میزبان حیات وحش زیبا و زندگی بود تبدیل به میزبان اجباری برای مهمان ناخوانده ای شد تا مانور های نظامی را در آن برگزار کند. با شروع جنگ بود که ورود نیروهای نظامی و مسلح به منطقه شروع شد. تعرضی که با اتمام جنگ همچنان در مناطق تحت حفاظت محیط زیست و پارک های ملی ادامه داشت. اگر روزی به پارک ملی و منطقه حفاظت شده کویر ایران می رفتیم پر بود از یوز و گور و ده ها جاندار دیگر. اما امروز باید شاهد پوکه های فشنگ به جامانده باشیم.

البته در این میان نباید از کنار لاشه های جانورانی که مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و یا لاشه های جنین های سقط شده به راحتی گذشت. به گفته یکی از مسئولان سازمان، همین رزمایش ها به غیر از سقط جنین حیوانات می تواند باعث تغییرات ژنتیکی نیز در حیوانات گیاهخوار منطقه شود که غذای اصلی یوزها هستند. نتیجه این مانورهای نظامی در منطقه چیزی به غیر مهاجرت اجباری گروهی گله های آهو و قوچ و میش و کل و بز و گور خر به بیرون از مناطق و بعد هم شکار آن ها نبود. روز به روز با سرعت زیادی حیات جانوری منطقه از بین رفت و این بود سهم حیات وحش کویر از مسئولانش.

البته با پیگیری مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست و فشار رسانه ها، فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح کشور با ابلاغ بخشنامه ای (در تاریخ ۸۶/۹/۱۳)، خطاب به تمامی قوای مسلح کشور برگزاری هرگونه مانور در مناطق حفاظت شده سازمان حفاظت محیط زیست و پارک های ملی را ممنوع اعلام کرد ... اما از آن تاریخ تاکنون این گونه به نظر می رسد که هیچ یک از این نهاد های نظامی از مناطق چهار گانه تحت حفاظت محیط زیست خارج نشده اند.... **حیات وحش کویر را فراموش کنید.** همچنان شرایط اسفناکی بر ۴۲۰ هزار هکتار پارک ملی و ۲۵۰ هزار هکتار منطقه حفاظت شده کویر برقرار است. روز به روز از حیات جانوران کم و به تعرض دستگاه های دولتی افزوده می شود. اول دستگاه های نظامی و سپاه بود اکنون وزارت نفت و فردا هم شاید وزارت راه و مسکن...»^۳

همچنین گزارش هایی از برگزاری مانور سپاه پاسداران، همزمان با مسابقات اتومبیل رانی قهرمانی کشور در پارک ملی کویر موجود است.^۴

بروز آتش سوزی بر اثر برگزاری مانور نظامی

یک گزارش که در خرداد سال ۱۳۹۱ انتشار یافته است به وقوع آتش سوزی در توابع شهرستان پاوه بر اثر مانور نیروهای نظامی رژیم جمهوری اسلامی پرداخته است: «مانور پایگاه های نظامی رژیم ایران در بخش باینگان منجر به آتش سوزی شد: به دلیل مانور نظامی پایگاه های رژیم در بخش باینگان از توابع شهرستان پاوه که از سه روز قبل شروع شده است، مراتع و پوشش گیاهی منطقه طعمه ی حریق شده و در آتش می سوزد. از روز بیستم خرداد ماه به علت مانور نظامی نیروهای ایران در پاسگاه های «دروله» و «کلور» در منطقه باینگان، کوه های این منطقه همچنان در آتش می سوزند. مانور نظامی نیروهای حکومت ایران دلیل اصلی آتش سوزی در کوه های «بیژل» و «کلور» در آن منطقه می باشد و بعد از سپری شدن سه روز از آغاز مانور، آتش سوزی هنوز مهار نشده و از سوی مراکز ذیربط هم هیچ اقدامی بعمل نیامده است. به گفته اهالی آن منطقه، حکومت ایران جنگل ها و مراتع کردستان را عمداً آتش زده و اجازه ی مهار آتش از سوی افراد محلی را گرفته است. پیشتر هم

۵۰ هکتار از مراتع و جنگل های شهرستان ثلاث باباجانی طعمه حریق شده و هیچ یک از نهادهای مرتبط جوابگوی این آتش سوزی ها نمی باشد.»^۵

مرگ و میر آبزیان در اثر مانورهای نظامی دریایی

مدیرکل حفاظت محیط زیست هرمزگان- در اسفند ۱۳۸۸- گفت: «جسد یک نهنگ ۱۲ تنی که بیش از ۱۳ متر بوده است در ساحل روستای بونجی شهرستان جاسک یافت شده و بر اساس بررسی کارشناسان ما مشخص شده که این نهنگ از گونه های حمایت شده و کمیاب «براید» در خلیج فارس و دریای عمان است. علت مرگ این نهنگ پارگی شکم و برخورد آن با پره موتور کشتی ها و شناورهای دریایی حاضر در منطقه است. برخورد این نهنگ با کشتی ها باعث متلاشی شدن لاشه و در نهایت مرگ این نهنگ ۱۲ تنی شده است که پس از چند روز امواج دریا آن را به ساحل آورده است....

وی به مرگ نهنگ دیگری نیز که دو ماه پیش با وضعی مشابه مورد اخیر از بین رفت، اشاره کرد و گفت: گونه این دو نهنگ هر دو از نوع «براید» بوده است که عواملی همچون پیری نهنگ ها و همچنین انجام عملیات ناوبری دریایی و به ویژه برگزاری مانورهای نظامی دریایی در منطقه از جمله موارد تهدید کننده زیست این آبزیان است. بارها درخصوص خطرات احتمالی مانورهای نظامی در مناطق حفاظت شده دریایی و احتمال مرگ و میر برخی گونه های کمیاب در اثر تصادم با شناورها به مسوولین مربوطه هشدار داده ایم اما نتیجه ای نداشته است. برگزاری مانورهای دریایی در مناطق حفاظت شده خطری جدی برای زیستگاه نهنگ ها است. این موضوع را بارها با مسوولین سازمان و استان در میان گذاشته ایم ولی اذعان می داشتند که برگزاری مانورها در آن محدوده و مختصات جغرافیایی یک موضوع خاص است و تعیین یا تغییر محدوده جغرافیایی مانورها از دست آن ها نیز خارج و یک تصمیم کلان کشور است و به نسبت شرایط خاص منطقه، ضروری محسوب می شود... علت مرگ و میر دلفین ها که در دو سال متوالی [۱۳۸۶ و ۱۳۸۷] اتفاق افتاد نیز به دلایل عوامل تهدیدکننده صنعتی، آلودگی های دریایی و همچنین مانورهای نظامی رخ داد.»^۶

معاون زیست دریایی سازمان محیط زیست- در مهر ماه ۱۳۹۱- گفت: ... ضرر و زیانی که به دلیل رفت و آمد ناوهای جنگی در خلیج فارس ایجاد می شود به ۲ دسته تقسیم بندی می شود: بخش اول آلودگی در خلیج فارس مربوط به مانورهایی می شود که ناوهای جنگی آمریکایی گاهی به صورت شلیک موشک انجام می دهند. با شلیک هر موشک میزان زیادی نیتروژن در آب تبدیل به آمونیاک می شود که باعث رشد بی رویه جلبک در خلیج فارس می شود. تولید بی رویه جلبک در دریا به کاهش زودرس عمق خلیج فارس کمک می کند. رشد بی رویه جلبک باعث می شود که خلیج فارس زودتر پیر شود.^۷

بدیهی است که آسیب ناشی از شلیک موشک محدود به فعالیت ناوهای آمریکایی نمی گردد و طبعا فعالیت های سایر نیروهای مستقر در منطقه، از جمله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و به ویژه سپاه پاسداران را نیز شامل می گردد که به طور متناوب، اقدام به برگزاری مانور و سایر فعالیت های نظامی می کنند. قابل ذکر است که حکومت جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران را مسئول حفاظت از بنادر و اسکله های تمامی مناطق جنوب ایران نموده است.

تخریب کلود های شهداد کرمان در مانور نیروی انتظامی

در پی برگزاری یادواره شهدای نیروی انتظامی در دانشگاه شهید باهنر کرمان توسط جامعه اسلامی دانشگاه مزبور، این نهاد در

روز اول خرداد ۱۳۸۷ اقدام به برگزاری اردوی دانشجویی در یکی از مناطق عملیاتی نیروی انتظامی کرد که طی آن، نیروی انتظامی رزمایشی در این منطقه برگزار نمود. اخبار و عکس های منتشر شده بعد از اردو نشان می دهد که این مانور با شلیک گلوله به کلوت های بی نظیر کویر شهداد همراه بوده است. آسیب دیدن کلوت ها با واکنش هایی در استان کرمان و کشور همراه شد.^۸

همان طور که در اخبار و گزارش ها منعکس گردیده بود، نابودی پدیده های طبیعی، نابودی زیستگاه های گیاهی و جانوری، مرگ جانوران و یا مهاجرت آنان به مناطقی خارج از محدوده حفاظت شده و کاهش جمعیت آنان، وقوع آتش سوزی در طبیعت- که خود سبب بروز مسایل و مشکلات مختلف و متعددی است- از جمله عوارض و آسیب های برگزاری مانور در محیط زیست بوده است.

۲- به آتش کشیدن جنگل ها

از جمله خساراتی که جنگل ها و مراتع کشور در طول دوره حکومت جمهوری اسلامی متحمل شده اند، تخریب و نابودی آن ها در اثر آتش سوزی های عمدی توسط نیروهای حکومت بوده است و می باشد. این آتش سوزی های عمدی از دو علت و انگیزه امنیتی و اقتصادی ناشی می گردد. به آتش کشیدن جنگل های غرب کشور و به طور مشخص کردستان، بیشتر انگیزه سیاسی و امنیتی دارد و نیروهای حکومتی به دلیل هراس از قابلیت تهدید امنیتی مناطق مزبور برای رژیم، همواره در حال تخریب جنگل های آن نواحی می باشند. از سویی، گاه در برخی مناطق به ویژه شمال ایران، با به آتش کشیدن قطعه ای از جنگل، زمین مزبور را از پوشش گیاهی تهی ساخته و پس از تصرف زمین، کاربری آن را به مسکونی یا تجاری تغییر داده اند. چند نمونه از به آتش کشیدن جنگل ها را در ادامه آورده ام.

جنگل های مریوان هر شب کابوس آتش می بینند

در گزارشی (منتشر شده در آبان ۱۳۸۹)، که به آتش سوزی های گسترده و پی در پی جنگل های مریوان در نیمه دوم دهه ۸۰ پرداخته است، آمده: «ماجرا از سال ۸۶ آغاز شد، درخت ها اول یکی یکی طعمه می شدند و این مساله مردم محلی را زیاد نگران نمی کرد، اما به ناگاه هکتار به هکتار جنگل شروع به از بین رفتن کرد تا امروز که هزار هکتار جنگل خاکستر می شود. آتش اکنون کابوس جنگل های بلوط مریوان است. ۵۶۹ بار آتش سوزی در جنگل های زاگرس، طی ۵ ماه گذشته [تا آبان ماه ۱۳۸۹] آن هم تنها در مریوان و سروآباد، آمار به شدت نگران کننده ای است این در حالی است که آمار تخریب آتش از ۲۰ هکتار تا پنج هزار هکتار در هر بار آتش سوزی متغیر است.

یکی از اعضای انجمن «سبزچیا» در مریوان می گوید: «زمانی در مریوان نگران همه چیز بودیم به جز آتش سوزی جنگل اما حالا هر شب کابوس آتش می بینیم. تمام انرژی مان صرف خاموش کردن آتش می شود. آن اوایل تعداد و وسعت آتش سوزی ها خیلی کم بود. نهایتاً یک آتش سوزی کوچک در هر ماه اما اکنون اوضاع خیلی فرق کرده و حتی گاهی پنج آتش سوزی در یک روز رخ می دهد... شاید باورکردنی نباشد ولی واقعیت دارد، اوضاع جنگل ها این جا خیلی وخیم است.»

مدیر عامل انجمن «سبزچیا» می گوید: «تا امروز دست کم ۲۰ هزار هکتار از جنگل های مریوان و سروآباد دچار حریق شده

است. تکرار چند بار آتش سوزی در برخی مناطق جنگی باعث شده است که ۲۰ درصد از جنگل های بلوط برای همیشه قدرت بازسازی خود را از دست بدهند و تخریب شوند. درخت بلوط در جنگل های غرب کشور اکثرا از نوع دانه زا است و بین ۲۰ تا ۷۰ سال طول می کشد تا یک درخت بلوط به معنای واقعی درخت بلوط شود. اما نکته اینجاست که جنگل های بلوط اگر یک بار بسوزند می توانند دوباره احیاء شوند، اما اگر این آتش سوزی بیش از دو بار تکرار شود فاتحه جنگل را باید خواند ... عامل عمده دیگر آتش سوزی در مناطق غرب کشور به ویژه در مریوان فعالیت ها و مانورهای برخی نیروهای نظامی در منطقه است. شاهد این مدعا هم آتش گرفتن قسمتی از جنگل های این نواحی بلافاصله پس از اجرای یک عملیات و مانور در منطقه است.

... متأسفانه فعالیت های نیروهای نظامی تنها به جنگل ها محدود نمی شود بلکه حتی منطقه ای مانند «کوهسالان» که در آخرین سفر ریاست جمهوری به استان کردستان توسط احمدی نژاد به عنوان منطقه حفاظت شده اعلام شد نیز بی نصیب نمانده است. این در حالی است که به موجب قانون هرگونه تیراندازی، تعرض و از بین بردن گونه های گیاهی و جانوری در مناطق حفاظت شده ممنوع است و جالب این که منطقه حفاظت شده کوهسالان اردوگاه نظامی است و اسف بارتر این که تمام پوشش گیاهی اطراف منطقه کوهسالان توسط آتش سوزی سوزانده شده و بالغ بر چهار هزار هکتار اراضی جنگلی شهرستان سروآباد در این منطقه خاکستر شده است... حیات وحش منطقه زاگرس به علت آتش سوزی های هر روز و فراگیر به شدت در معرض خطر قرار گرفته است. مشاهده اجساد حیوانات که در آتش سوخته اند قلب هر انسانی را به درد می آورد. دامنه فراگیری آتش به حدی است که حتی عقاب های تیز پرواز نیز از شعله های آن در امان نبوده اند و وجود عقاب هایی که به واسطه سوختن بال هایشان قدرت پرواز را از دست داده و توسط افراد محلی تحت درمان قرار گرفته اند این گفته را تأیید می کند...»^۹

آتش خاموش نشدنی بلوط زاران زاگرس

بنابه گزارش ها (در سال ۱۳۸۹): «گسترده گی آتش سوزی در جنگل های بلوط زار غرب ایران (به خصوص در استان های کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان) به اندازه ای شدت یافته که ۳۰ سازمان غیردولتی با ارائه گزارش های مستند از آتش سوزی های پی در پی؛ از رسانه ها، مجلس و دولت خواستند برای جلوگیری از تخریب بیش از پیش این ذخیرگاه های طبیعی وارد عمل شوند.

به گفته دبیر انجمن محیط زیستی «سبز چیا» در مریوان: از سال ۸۶ آتش سوزی به شکلی سازمان یافته و تصاعدی در کردستان به خصوص شهر مریوان در حال گسترش است و این گمان را در ذهن متبادر می کند که تعمدی در کار است و دست هایی به عمد جنگل ها را به آتش می کشند ... آمارهای غیر رسمی از مرگ نزدیک به ۳۵ هزار هکتار بلوط در مریوان حکایت دارد.»^{۱۰}

در گزارش دیگری (انتشار یافته در ۲۹ شهریور ۱۳۸۹)، به آتش زدن جنگل ها و مراتع کردستان توسط نیروهای سپاه پاسداران اشاره شده است: «چندین هکتار جنگل و ده ها جانور در آتش سوختند: روز سه شنبه و چهارشنبه هفته گذشته به دنبال عملیات نظامی گسترده در منطقه «ریوار» مابین شهرستان های مریوان و پاوه، نیروهای سپاه پاسداران اقدام به آتش زدن جنگل های این منطقه نمودند. شدت آتش سوزی در این نواحی به حدی بود که موجب زنده سوختن ده ها خوک، روباه و خرگوش در شعله های

آتش شد. علاوه بر این، عصر روز جمعه دوازدهم شهریورماه یکی از وسیع ترین آتش سوزی ها طی چند ماه گذشته در منطقه مریوان باعث نابودی چندین هکتار از سرسبزی کردستان شد. در جریان این آتش سوزی حدود ۱۰ هکتار از جنگل ها و مراتع اطراف روستای «موسک» واقع در شهرستان مریوان طعمه آتش شده و به خاکستر تبدیل گردید.»^{۱۱}

بخش هایی از زاگرس مرکزی به سود یک نهاد نظامی رو به نابودی است

دبیرخانه پروژه حفاظت از تنوع زیستی زاگرس مرکزی- در سال ۲۰۱۱- اعلام کرد: «در ۳۲ سال گذشته نزدیک به صد هزار هکتار از جنگل های زاگرس مرکزی نابود شده است ... براساس آخرین نتایج به دست آمده از مقایسه تصاویر ماهواره ای، سطح اراضی دارای پوشش طبیعی جنگلی در محدوده پروژه حفاظت از تنوع زیستی زاگرس مرکزی، از حدود ۳۶۰ هزار هکتار در سال ۱۹۷۵، به ۲۶۳ هزار هکتار در سال ۲۰۰۷ کاهش یافته است ... بیشتر کارشناسان محیط زیست، مدیران سازمان حفاظت محیط زیست کشور را به اهمال در برابر نهادهای صنعتی یا نظامی کشور از جمله وزارت صنایع، وزارت نفت، سپاه، و بخش خصوصی متصل به دستگاه های دولتی متهم کرده اند ... یک کارشناس محیط زیست منطقه می گوید: «ویرانی بخش بزرگی از جنگل های زاگرس مرکزی ناشی از بی تدبیری مسئولان امر در سال های اخیر است. برای نمونه بخش های بزرگی از جنگل های زاگرس را به افراد مشخصی واگذار کردند و این امکان را فراهم آوردند تا درختان کهنسال برای بهره برداری صنعتی قطع شوند، سپس زمین های آن به ساخت ویلاهای بزرگ اختصاص یابد ... در حالی که مقامات عالیه نظام می گویند حفظ محیط زیست از واجبات الهی ست، در همان حال، دولت دستور واگذاری بخش های بزرگی از جنگل های زاگرس مرکزی را به یک نهاد نظامی صادر می کند تا به جای درختان کهنسال؛ پادگان، خانه های سازمانی و زاغه مهمات ساخته شود. آیا ساخت پادگان به ازای نابودی جنگل ها پیشرفت محسوب می شود؟»^{۱۲}

هرچند ابعاد قضیه به طور کامل روشن نیست اما به هر حال، همین مقدار مطالب در دسترس به خوبی بیانگر رفتار نابودگرانه دستگاه های نظامی در قبال محیط زیست ایران است.

۳- دفع مواد زاید در طبیعت

حضور سنگین نظامی از جمله عوامل اصلی آلودگی دریای عمان و خلیج فارس

یک استاد دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، فعالیت های نظامی در خلیج فارس را عامل مهمی در آلودگی خلیج فارس دانسته و گفته است: «مقایسه وضعیت کنونی این دریا با گذشته نشان می دهد که تنوع زیستی در گذشته در این منطقه دریایی از تراکم بسیار بالایی برخوردار بوده اما اکنون به شکل نگران کننده ای کاهش یافته است ... عاملی که نقش مهمی در آلودگی خلیج فارس دارد اما کمتر به آن پرداخته می شود، فعالیت های نظامی [است] که هر از گاهی از سوی ایران و سایر کشورها در این پهناب عظیم برگزار می شود... به ویژه این که این کشتی ها حامل نیروی انسانی قابل توجهی هستند که احتمالاً پساب های آن ها بدون تصفیه همراه با مواد زاید در دریا رها می شوند...»^{۱۳}

ایجاد آلودگی و رشد بی رویه جلبک در خلیج فارس بر اثر فعالیت های نظامی

به گفته معاون زیست دریایی سازمان محیط زیست: یکی از اثرات زیست محیطی فعالیت های نظامی در خلیج فارس تخلیه فاضلاب های بهداشتی کشتی ها و ناوهای جنگی است. با توجه به این که در هر کشتی و ناو جنگی هزاران نیرو قرار دارد، به ازای هر نفر اگر ۱۰۰ لیتر پساب بهداشتی هم تولید شود، به چندین هزار متر مکعب می رسد که بار آلی زیادی همچون فسفات و نیترات و ... را به همراه دارند که این آلودگی نیز تولید جلبک به همراه دارد.^۷

استقرار پادگان ها و مراکز نظامی، تهدیدی برای اکولوژی خلیج فارس

یک گزارش- که در آذر ماه ۱۳۸۷ انتشار یافته است- به نقش مراکز نظامی و مانورها و ... در آلودگی های زیست محیطی پرداخته است: «هر از چندگاهی شاهد گسترش دامنه مرگ و میر آبزیان در محدوده آب های هرمزگان به ویژه در تنگه هرمز هستیم که نگرانی بسیاری از دوستداران محیط زیست را به دنبال داشته است ... مشاهده چند پدیده ناگوار همچون مرگ دسته جمعی دلفین ها، تغییر رنگ مرجان های کیش و مرگ و میر وسیع ۱۲ گونه آبی در محدوده آب های تنگه هرمز و از بین رفتن بخش هایی از جنگل های مانگرو و حرا در چند ماه گذشته، توجه بسیاری از کارشناسان بین المللی و داخلی را به این منطقه جلب کرده و عملکرد مدیریتی بخش های مختلف مرتبط با اکولوژی دریا را در هرمزگان تحت تاثیر قرار داده است ... وجود ۱۴ جزیره حساس و استراتژیک در محدوده آب های هرمزگان نیز از دیگر مواردی است که استقرار پادگان ها و مراکز نظامی را در نقاط مختلف از نظر امنیتی برای کشور توجیه پذیر کرده است که هر از چندگاهی دستگاه های نظامی به برگزاری مانورها و آزمایش محصولات نظامی در آب های این منطقه می پردازند که بعضی اوقات سبب تبعات زیست محیطی در سطح کلان می شود.

مطالعه روی مناطق مشابه تنگه هرمز در نقاط مختلف دنیا، بیانگر این است که این مناطق با توجه به شلوغی و بهره گیری چند برابری بخش های اقتصادی و صنعتی از پهنه آبی و ساحلی نسبت به تنگه هرمز، از پیامدهای زیست محیطی کمتر برخوردار هستند...»^{۱۴}

آلودگی شدید خلیج فارس

در مجموع، تاثیر عوامل مختلف موجب شده خلیج فارس چهل و هفت (۴۷) برابر آب های آزاد آلوده باشد.^{۱۵} موارد متعددی در ارتباط با فعالیت های آلوده کننده محیط زیست، ناشی از عملکرد نیروهای مسلح، در سایر نقاط ایران وجود دارد که از جمله می توان به نقش پادگان آموزشی سپاه پاسداران رشت در آلودگی رودخانه گوهررود^{۱۶}، آلودگی میکروبی رودخانه دز در اثر ورود فاضلاب پادگان نظامی تیپ ۲ زرهی خوزستان به آن^{۱۷}، ورود فاضلاب پادگان امام رضا به رودخانه قویی چای شهر بناب^{۱۸}، آلودگی هوا در بیرجند بر اثر نقص در سیستم فاضلاب پادگان بیرجند^{۱۹} اشاره نمود.

۴- ساخت پادگان و مراکز نظامی

گرچه اصطلاح «حکومت پادگانی» را در سال های اخیر برای وصف شرایط حکومت جمهوری اسلامی به کار برده اند اما واقعیت این است که حکومت مزبور، از همان آغاز کسب قدرت دارای این ویژگی بوده است و برای سرکوب مردم و همچنین

کشمکش های برون مرزی، همواره اتکای زیادی به فعالیت های نظامی داشته است. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و به ویژه سپاه پاسداران، به طور مستمر، در مناطق مختلف کشور، در عرصه های مختلف و از جمله زمین های منابع طبیعی و تحت حفاظت محیط زیست، اقدام به ساخت پادگان و تاسیسات نظامی نموده اند. بدین شکل، تعداد پادگان ها و مراکز نظامی به چند برابر تعداد آن ها در پیش از انقلاب ۱۳۵۷ رسیده است. به چند نمونه از موارد مزبور اشاره می کنم.

ساخت پادگان و ستاد فرماندهی سپاه پاسداران در پارک ملی سرخه حصار:

پارک ملی سرخه حصار در شرق تهران واقع شده است و در سال ۱۳۵۸ زیر نظر سازمان محیط زیست قرار گرفته است. بر اساس یک لایحه قانونی که در ۱۷ خرداد ۱۳۵۹ به تصویب رسید، بخشی از زمین های منطقه سرخه حصار در اختیار وزارت دفاع ملی قرار گرفت تا نسبت به انتقال کارخانه های مکانیک از محل قورخانه [مکان ساخت اسلحه و مهمات واقع در محدوده خیابان خیام تهران] به سرخه حصار اقدام شود و زمین های قورخانه به طور بلاعوض در اختیار شهرداری تهران برای اجرای طرح مترو قرار گیرد.

سپس در ۲۷ آذر ماه ۱۳۶۲، در دولت میر حسین موسوی، با تصویب هیات وزیران مقرر گردید پناهگاه حیات وحش و پارک سرخه حصار در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست و قسمت دشت آن در اختیار سپاه پاسداران قرار گیرد و حفاظت منطقه نیز - با همکاری! سازمان حفاظت محیط زیست - به عهده سپاه پاسداران گذاشته شد.

نیروی دریایی سپاه پاسداران که در سال ۱۳۶۴ تشکیل شد، ستاد فرماندهی نیرو را در سرخه حصار قرار داد. استقرار تاسیسات نظامی و پادگان سپاه پاسداران در پارک سرخه حصار و کنترل منطقه توسط آنان، در عمل پارک را از شرایطی که می بایست داشته باشد، دور نمود. در این خصوص، معاون سازمان حفاظت محیط زیست گفته بود: از دوران جنگ این پادگان در پارک مستقر شده و این امر باعث شده که نتوانیم مدیریتی در حفظ این منابع طبیعی داشته باشیم. تمام پارک جزء پادگان قرار گرفته و این امر عملاً این مکان را از وضعیت خاص خود به عنوان یک پارک خارج کرده است.

از مجموع پارک سرخه حصار تنها قسمت شمال و شرق پارک که در همسایگی پارک ملی خجیر قرار دارد، در حفاظت سازمان محیط زیست قرار دارد. در واقع پارک ملی خجیر و سرخه حصار همانند یک جزیره شده است که ارتباطی با مناطق حفاظت شده اطراف خود ندارد و پیامد این امر، تخریب مناطق مزبور است.^{۲۰}

ساخت پادگان در مرغوب ترین زمین های کشاورزی ری: بر اساس گزارشی در خرداد ۱۳۸۹، علی رغم مخالفت ها و پیگیری های قانونی مردم دهستان قلعه نو از توابع بخش کهریزک شهرستان ری، انتقال پادگان قلعه مرغی به اراضی این دهستان در حال اجرا است. حدود صد هکتار از اراضی دهستان قلعه نو که هم اکنون در بین دیوارهای بتونی محصور شده است، پیش از این، مجموعه ای تفریحی و ورزشی به نام «مجموعه پروازی آسمان ری» بود که می توانست کمبود امکانات تفریحی جنوب تهران را تا حدی مرتفع سازد. انتقال پادگان قلعه مرغی به اراضی قلعه نو، علاوه بر تغییر کاربری زمین های کشاورزی این منطقه و سلب آسایش و آرامش اهالی این دهستان که قریب ۴۵ هزار نفر جمعیت دارد، احتمال وقوع حوادث ناگوار دیگری را نیز ایجاد کرده است. دهیار روستای قلعه نو در حالی که لغو برنامه این انتقال را خواسته حداکثری مردم قلعه نو و روستاهای همجوار می داند، می گوید: حداقل بخشی از این اراضی را هم به تفریح و ورزش مردم این منطقه اختصاص نداده اند تا ۴۵۶

هزار نفر جمعیت این دهستان مکانی برای سپری کردن اوقات فراغت و انجام ورزش و تفریح داشته باشند. چگونه است که احداث استخر توسط بخش خصوصی در زمین های کشاورزی قلعه نو را به بهانه تغییر کاربری امکان پذیر نمی دانند اما با تغییر کاربری قریب صد هکتار زمین کشاورزی موافقت می کنند؟ شکل گیری مجموعه پروازی آسمان ری در قلعه نو می توانست علاوه بر فراهم نمودن فضایی تفریحی و ورزشی برای مردم این منطقه بر وضعیت اقتصادی آنها نیز تأثیرات مثبت بگذارد چرا که این مجموعه ورزشی ظرفیت مورد استقبال واقع شدن توسط تمام مردم تهران را نیز داشت؛ امری که با تبدیل این مکان به یک مکان نظامی منتفی شده است....^{۲۱}

محاصره تهران از سوی پادگان ها: بر اساس برآوردها در سال ۱۳۸۸، از مساحت ۷۰۰ کیلومتری تهران بیش از ۵۰ کیلومتر از سطح شهر را پادگان های نظامی در بر گرفته اند. این پادگان ها تنها پادگان های سربازی نیستند بلکه مراکز فرماندهی را نیز شامل می شوند. نه ارتش و نه سپاه پاسداران تمایل ندارند که این اراضی را به هیچ عنوان از دست بدهند و برای بهره برداری های خود همکاری و مشارکت نمی کنند. با توجه به ارزش افزوده این زمین ها و تغییرات کاربری زمین اجازه نمی دهند که مذاکراتی که بین شهرداری و سازمان های نظامی انجام می شود به نتیجه ای برسد و حتی از ورود شهرداری به داخل این اراضی برای بازدید جلوگیری می شود. وسعت این زمین ها بسیار زیاد است. آخرین آماري که ارائه شده رقم قابل ملاحظه‌ای است که ۱۰ الی ۱۲ درصد از سطح تهران یعنی چیزی حدود ۷۲ کیلومتر مربع را به خود اختصاص داده است.^{۲۲}

بوشهر: بوشهر شبه جزیره ای که وجود اراضی نظامی، محدودیت و کمبود شدید زمین را در آن دامن زده و در عمل این شهر را به دو نیم کرده... اگرچه عقب نشینی هایی در برخی مناطق شهر بوشهر نظیر کمربندی دواس از سوی پایگاه هوایی ارتش صورت گرفته که گفته می شود در ازای توافقاتی با شهرداری برای امتیاز تبلیغاتی پمپ بنزین جدید مجاور این پایگاه و فعال سازی برخی تاسیسات اقامتی و تفریحی در ساحل - نظیر فعال شدن «هتل پرواز» و آغاز احداث رستوران نیروی هوایی در خط ساحلی- صورت گرفت، اما اقدامی برای خارج شدن پایگاه های هوایی و دریایی ارتش که سهم بیشتری از اراضی نظامی را در اختیار دارند، صورت نگرفته است. این در حالی است که اکنون کمتر از ۱۵ درصد مساحت شهر بندری بوشهر در اختیار ساکنانش قرار دارد و باید امور ساخت و ساز و توسعه را در آن دنبال کنند و مابقی در اختیار پادگان های نظامی ارتش، سپاه، نیروگاه اتمی، اراضی بندری و نهادهای دیگر می باشد.^{۲۳}

موارد متعددی از ساخت پادگان های نظامی وجود دارد که تمام یا بخشی از زمین آن ها را زمین های منابع طبیعی تشکیل داده است. از جمله این موارد می توان به پادگان قاین (پادگان غدیر)^{۲۴}، پادگان نیروی زمینی سپاه در خوی^{۲۵}، پادگان جدید لشکر ۷۷ خراسان (ثامن الاثمه)^{۲۶} و پادگان بجنورد^{۲۷} اشاره نمود. به طور کلی، در سال های پس از انقلاب ۱۳۵۷، ده ها پادگان توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و به ویژه سپاه پاسداران، ساخته شده است.^{۲۸}

بنا به نیازهای امنیتی رژیم، تعداد زیادی پادگان نیز در حال ساخت است که مساحت زیادی زمین را از چرخه فعالیت های طبیعی خود خارج می کنند و آلودگی هایی را متوجه محیط می سازند. مدتی پس از آغاز قیام مردم در سال ۱۳۸۸، رژیم جمهوری اسلامی که از تصرف پادگان ها به دست مردم (همانند آن چه که در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد) هراس داشت، قانونی با عنوان «قانون فروش و انتقال پادگان ها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها» را در مجلس شورای اسلامی به

تصویب رساند.

بر اساس قانون یادشده، پادگان ها به خارج از محدوده شهرها منتقل خواهند شد. البته برخی موارد مانند اماکن نیروهای مقاومت بسیج، سپاه انصار، نیروی انتظامی، ستادهای فرماندهی کل سپاه و ارتش و ... (با ملاحظاتی)، از موضوع این قانون مستثنی شده اند. وزارت جهاد کشاورزی نیز مکلف گردیده است نسبت به واگذاری زمین مناسب مورد نیاز برای احداث پادگان و یا اماکن دیگر، اقدام نماید.^{۲۹}

درباره جابه جایی پادگان و پایگاه های نظامی در داخل شهرها، فرمانده نیروی زمینی ارتش- در فروردین ۱۳۹۱- گفت: یکی از مسائلی که در سال ۹۱ پیگیری جدی می کنیم و در سال ۹۰ نیز پیگیری خوبی داشتیم، بحث جابه جایی پادگان ها و در مرحله بعد پایگاه هاست. این مصوبه مجلس و مطالبه دولت است که کلیه پادگان هایی که در محوطه شهرها هستند و مشکلاتی را برای شهرها ایجاد می کنند و قدرت مانور را نیز از فرمانده می گیرند جابه جا شوند.^{۲۳}

۵- ساخت مجموعه های اداری و مسکونی

به غیر از ساخت و ساز با کاربری نظامی، ساخت اماکن مسکونی و یا اداری و ... نیز توسط نیروهای مسلح در طبیعت انجام گرفته است که در این جا به چند مورد اشاره می نمایم.

ساخت شهرک برای اعضای سپاه پاسداران در زمین های مصادره شده متعلق به بهایی ها

هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود (۷ شهریور ۱۳۶۶) نوشته است: «... برای مراسم شروع به ساخت مجتمع [شهرک] شهید محلاتی به لویزان رفتم. بناست طرح خانه سازی برای افراد سپاه اجرا شود. در فاز اول سه هزار و پانصد واحد ساخته می شود. زمین آن پانصد هکتار است؛ اینجا قبلاً «مشرق الاذکار» بهائیان بوده و جای خوش آب و هوایی در شمال شرقی تهران است. بهایی ها در ارتفاعات نزدیک آنجا، به جان ناصر الدین شاه سوء قصد کرده اند و بعداً آنجا را به عنوان مشهد انتخاب نموده اند و اراضی اطراف را خریده یا تصرف کرده اند. حدود بیست چشمه و قنات دارد. امام با پیش نهاد من، به بنیاد مستضعفان دستور دادند که آن جا را به سپاه بدهند. جای خوبی است. (این منطقه اکنون «شهرک شهید محلاتی» نام گرفته است ...)»^{۳۰}

ساخت و ساز مجموعه اختصاصی سپاه پاسداران در جنگل های ناهارخوران گرگان: جنگل ناهارخوران در حاشیه جنوبی مرکز استان گلستان با نام ساخت موزه در خطر تخریب جدی قرار گرفته است. رییس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و زیست شهری شورای شهر گرگان، در اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ گفت: «متأسفانه یکی از نهادهای دولتی [سپاه پاسداران]، قصد تصرف عرصه وسیعی از پارک جنگلی و تاریخی ناهارخوران و ساخت و ساز موزه در این محوطه را دارد. در سایه سکوت ادارات و سازمان های متولی، علاوه بر واگذاری این عرصه ملی که حدود ۱۰ هکتار است که دور آن را فنس کشیده اند، چهار میلیارد تومان هم از اعتبارات استانی و ملی به این ساخت و ساز اختصاص داده اند. در حالی که مطابق مقررات موجود، ساخت و ساز در این محور طبیعی- تاریخی ممنوع است و بسیاری از کارشناسان ساخت و ساز در این مسیر گردش و طبیعی را منجر به نابودی کامل ناهارخوران می دانند ... سکوت مسوولان ذیربط همچون اداره کل منابع طبیعی استان و صدور مجوز قطع درختان ارزشمند منطقه ناهارخوران، باعث ادامه روند این تخریب شده است؛ در حالی که درختان بسیار باارزش و نادری در این محل وجود

دارد که به لحاظ زیبایی و ویژگی های طبیعی در دنیا منحصر به فرد بوده و عمر بعضی از آن ها به چند صد سال می رسد و پس از قطع شدن، جایگزینی نخواهند داشت. متأسفانه تاکنون اقدامات و مخالفت های ما در این باره به جایی نرسیده و اخبار و گزارش های رسیده خبر از شروع این پروژه می دهد.»

شایان ذکر است که استان گلستان به دلیل جاری شدن سیل طی ۱۲ سال گذشته- که به نظر اغلب کارشناسان، در اثر کاهش سطح پوشش گیاهی منطقه بوده- پرحادثه ترین استان کشور نام گرفته است. کارشناسان معتقدند اگر روند تخریب ها در جنگل های گلستان و از جمله ناهارخوران گرگان همچنان ادامه داشته باشد باز هم باید شاهد جاری شدن سیل و رواناب، از دست رفتن جنگل ها، فرسایش خاک، رانش زمین و بسیاری دیگر از انواع بلایا و حوادث باشیم.

پیش از تخریب جنگل ناهارخوران هم به بهانه ساخت موزه برای بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، به زمین های جنگلی و پارک ها تجاوز شده بود. قلع و قمع بیش از پانصد (۵۰۰) اصله درخت ۲۰ ساله در پارک جنگلی «تهلیجان» [شهرکرد] در آذرماه سال ۱۳۸۸، و نیز نوبتی پیش از آن تاریخ، از جمله تخریب های صورت گرفته در چارچوب فعالیت های بنیاد مزبور می باشد. بنیادی که تحت اختیار فرماندهان سپاه پاسداران قرار دارد.^{۳۱}

شایان ذکر است که برای جلوگیری از تخریب جنگل ناهارخوران توسط سپاه پاسداران، اقدامی صورت نگرفته است اما الهه موسوی روزنامه نگار و فعال سرشناس زیست محیطی که در باره تخریب جنگل های ناهارخوران گرگان اطلاع رسانی نموده بود، در مهر ماه سال ۱۳۹۱، با شکایت اداره کل بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، به دادگاه احضار گشت.^{۳۲}

عرضه مصالح ساختمانی در پارک ملی سرخه حصار توسط نیروهای سپاه پاسداران

سپاه پاسداران به غیر از نقش مستقیم در ساخت و ساز غیرمجاز در فضاهای طبیعی که می بایستی حفاظت گردد، دلالتی و واسطه گری در عرضه مصالح ساختمانی را نیز در کارنامه خود دارد. نیروهای سپاه پاسداران که در پارک ملی سرخه حصار مستقر می باشند، با استفاده از موقعیت خود، مصالح ساختمانی را به پارک ملی سرخه حصار وارد کرده و در آن جا به چند برابر قیمت به کسانی که در پی ساخت و ساز (غیرمجاز) در داخل پارک هستند و خود قادر به وارد نمودن مصالح ساختمانی به پارک نیستند، می فروختند و می فروشند و به این طریق، کاسبی پرمفعتی داشته اند. در چهل و سومین جلسه کمیته محیط زیست شورای شهر تهران (برگزار شده در ۱۵ مرداد ۱۳۸۷) گزارشی در مورد سرخه حصار ارایه شد که در آن آمده بود: «... در هفته های اخیر نیز چندین بنای ۵۰ و ۶۰ متری آجری ... در اراضی بکر سرخه حصار تهران با کمترین ممانعت از سوی مقامات مسئول ایجاد شده که بناهای ساخته شده در بیش از دو دهه اخیر را در سرخه حصار، به حدود ۶۰۰ بنا رسانده است... متأسفانه برخی نهادها [سپاه پاسداران] با سوءاستفاده از قدرت خود، به راحتی مصالح ساختمانی را به این پارک وارد می کنند...»^{۳۰}

احداث جاده در محدوده پارک ملی بوجاق توسط سپاه پاسداران

به گزارش یکی از فعالان محیط زیست: «بیست و یکم تیرماه [۱۳۹۱] از فعالیت برای احداث جاده توسط پادگان سپاه سیدالشهدا، به مساحت چند هکتار در پهنه تالابی پارک ملی اطلاع یافتیم. متأسفانه این اتفاق در ۱۵۰ متری پاسگاه محیط بانی بوجاق به مدت چند روز در جریان بود و در کمال تعجب محیط بانان پارک ملی ظاهراً [!] متوجه ماجرا نبودند.» پارک ملی خشکی

۶- تصرف زمین های منابع طبیعی و حفاظت شده و فروش آن ها(زمین خواری)

مناطق حفاظت شده عرصه ساخت و سازهای غیرمجاز: ضمن آن که برخی سازمان های نظامی و غیرنظامی برای انجام مانور نظامی یا طرح های عمرانی خودسرانه وارد مناطق حفاظت شده می شوند، باندهای زمین خواری وجود دارد که به هر طریق زمین های با ارزش را [در این مناطق] تصاحب می نمایند و سپس با بهایی گزاف به فروش می رسانند.^{۳۴}

زمین خواری های سپاه پاسداران

استان فارس یکی از مناطقی است که زمین خواری توسط نیروهای نظامی [سپاه پاسداران] در آن رخ داده است. در این جا ضمن اشاره ای کوتاه به باندهای زمین خوار، چند نمونه از موارد زمین خواری نقل می گردد.

کانون قدرتمند زمین خواری در استان فارس: در دوران دولت خاتمی، هدایت شرکت های مرتبط با نهادهای نظامی [سپاه پاسداران] در فارس را، که در حوزه زمین فعال شده و از آن زمان تاکنون به سان کانونی واحد عمل می کنند، سردار نجفی [فرمانده منطقه مقاومت بسیج فارس و سپس فرمانده سپاه حفاظت انصارالمهدی] به دست داشت، به رغم این که این امر با مسئولیت رسمی او مرتبط نبود. از نظر ساختار و مقررات، شرکت های فوق زیرمجموعه تحت فرماندهی نجفی (نیروی مقاومت بسیج منطقه فارس) نبودند و به نهادهایی چون بنیاد تعاون بسیج یا شرکت مرکزی احرار در تهران وابستگی داشتند... فعالیت این شرکت ها، به ویژه در حوزه زمین، بدون برخورداری از حمایت سردار نجفی و سازمان و نیروهای تحت امر او، مانند بسیج ادارات و بسیج متخصصین و بسیج مهندسین، نمی توانست کارآمد باشد. عناصری از مسئولین و اعضای این شاخه های بسیج، که در ادارات و نهادهای کارشناسی از نفوذ فراوان برخوردار بودند، راه فعالیت این شرکت ها را هموار می کردند. برای مثال، در ماجرای اراضی دارنگان، شرکت فارس مبین، وابسته به بنیاد تعاون بسیج، صدها قطعه باغچه یکهزار متری را به اعضای نیروی مقاومت بسیج منطقه فارس و حتی سایر مناطق جنوبی ایران، مانند بندرعباس، فروخت و در مدتی کوتاه میلیاردها تومان گرد آورد. این در حالی است که اراضی فوق از طریق خدعه و با روش های به کلی نامشروع و غیرقانونی از دست مالکین آن خارج شده و به دلیل نارضایتی تعدادی از مالکین اصلی اراضی مشاع فوق، شرکت فارس مبین تا به امروز توانایی صدور سند رسمی به نام خریداران بسیجی و غیر بسیجی را ندارد.

زمین های شهر جدید صدرا: یکی از موارد زمین خواری، ماجرای اراضی شهر جدید صدرا، تصرف نه هزار هکتار دیم کارهای های پراکنده و مراتع بکر مجاور با منطقه حفاظت شده محیط زیست، به بهانه تعلق آن به موقوفات مجاور، و انتقال بخش مهمی از این مراتع توسط سازمان اوقاف به مجمع جهانی اهل بیت به ثمن بخش (گویا هکتاری ۱۳ هزار تومان، یعنی متر مربعی ۱۳ ریال) است. در ماجرای شهر جدید صدرا و اراضی و مراتع باجگاه، [سردار] عبدالعلی نجفی و علیرضا مسعودی نقش اصلی را به عهده داشتند. آن ها حقوق دامداران و مردم محلی و ذینفع و صاحب نسق را به کلی پامال کردند. تصرف و تخریب یُرد عشایر و از میان بردن پوشش گیاهی و تسطیح مراتع با اعمال زور و قوه قهریه انجام گرفت.

ماجرای تصرف اراضی موقوفات باجگاه و مراتع عشایر مجاور آن [تخریب مراتع و یُرد] در سال های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳، پیش نمونه ماجرای اراضی موقوفه بدیجان سیاخ (حسین آباد) و مراتع طوایف سرخی در مجاورت آن (کوهپایه دلو) در سال های

۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ است. طی آن سرهنگ ابراهیم عزیزی فرمانده بسیج شیراز، سرهنگ سید حسن زندوی رییس بنیاد تعاون بسیج فارس، سرهنگ علی رحم یوسفی مدیرعامل شرکت فارس مبین و چند تن دیگر از مسئولان نظامی آن زمان، به عنوان بازوان نجفی عمل می کردند.

تصرف و تخریب مراتع کوهپایه دلو: پس از شرکت فارس مبین، شرکت احرار فارس به عرصه تفکیک و فروش زمین، تحت عنوان احداث «باغ شهر» وارد شد و با تصرف مراتع دارای پوشش غنی گیاهی در کوهپایه دلو، که جزو منطقه حفاظت شده موسوم به مله گاله از سوی سازمان حفاظت محیط زیست نیز هست، ایجاد «مجموعه باغ های ویلایی» را آغاز کرد. اداره کل منابع طبیعی و سازمان محیط زیست فارس تاکنون در برابر تخریب مراتع فوق به کلی ساکت بوده و در برابر اقدامات این شرکت هیچ ممانعتی به عمل نیامده است.

شرکت احرار فارس، مانند شرکت های احرار سایر مناطق ایران، به طور رسمی به آزادگان جنگ تحمیلی تعلق دارد همان گونه که بنیاد تعاون بسیج رسماً متعلق به بسیجیان است. گردانندگان شرکت احرار نیز همان نظامیان هستند و با گردانندگان شرکت فارس مبین در پیوند، به نحوی که هر دو شرکت را می توان عضو خانواده ای واحد تلقی کرد. کارگزاران و دلالان و پیمانکاران و عوامل محلی دو شرکت نیز یکی هستند.

شرکت احرار به سرعت در حال تخریب و تفکیک و فروش مراتع کوهپایه دلو، واقع در ۳۵ تا ۴۰ کیلومتری جنوب شیراز است و می کوشد تمامی این مراتع را، که وسعت آن بیش از یک هزار هکتار است، تصرف کند. در صورت تفکیک و فروش این مراتع، به بهای تخریب یکی از بکرترین و غنی ترین چراگاه های فارس و نابودی دامداری دو هزار خانوار عضو شش طایفه نیمه کوچ نشین، در بازار امروز [اواخر ۱۳۸۶]، ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیارد تومان، و شاید بیشتر، نصیب شرکت احرار و عوامل محلی آن خواهد شد.

تخریب و تصرف جنگل های زاگرس: شرکت سلحشوران که از شرکت های زنجیره ای است که زیر نظر سردار نجفی فعالیت می کرد، پیشتر در یکی از معادن سنگ نی ریز فعال بود که به دلیل ورشکستگی، به تازگی [اواخر ۱۳۸۶] وارد حوزه تفکیک اراضی شده و فعالیت خود را در محدوده جنگلی پلاک ماصرم و ده سرو کوهمره سُرخ آغاز کرده است. در شرق این اراضی، تعاونی مسکن سپاه با انعقاد قرارداد با فردی به نام حاج محمد احمدی، تفکیکی اراضی جنگلی چنارفاریاب و تبدیل آن به باغ شهر را آغاز کرده است. این شرکت با تجاوز به اراضی پلاک چشمه بردی، واقع در شرق پلاک چنارفاریاب و در حدفاصل پلاک های دارنگان و چنارفاریاب، به محدوده مراتع و اراضی زراعی طایفه سقلمه چی تجاوز کرده و اعتراض و شکایت آن ها را سبب شده است. بدینسان، محدوده بزرگی از جنگل های انبوه و کهن زاگرسی مورد تهاجم قرار گرفته است. این جنگل ها به «جنگل بلوط دان» معروف است و وسعت آن به بیش از یک هزار هکتار می رسد.

افزون بر فعالیت های زمین خواری، شرخری در مقوله املاک، از دیگر فعالیت های شرکت های وابسته به سپاه پاسداران است که منافع عظیمی را نصیب افراد دست اندرکار نموده است.^{۳۵}

مبارزه با زمین خواری را باید از حکومت شروع کرد

وضعیت سوءاستفاده صاحبان قدرت از اختیارات خود برای ثروت اندوزی از زمین خواری، چنان گسترده و آشکار و بی رحمانه است که حتی مقامات ارشد حکومتی- که خود به انواع فساد آلوده اند- نیز بدان معترفند. غلامحسین محسنی اژه ای، دادستان کل جمهوری اسلامی- در اسفند ۱۳۸۹- گفت: اقدامات زمین خواران پیچیده و تشکیلاتی است و کسانی که از درون حکومت در این اقدامات دست دارند باید تنبیه شوند. اگر می خواهیم مبارزه را شروع کنیم، ابتدا باید از خودمان و حکومت آغاز کنیم.^{۳۶}

۷- برداشت چوب

از جمله آسیب هایی که نیروهای نظامی(سپاه پاسداران) به منابع طبیعی ایران وارد آورده اند، غارت بی رحمانه جنگل ها و تجارت چوب است. قطع درختان جنگلی در ابعاد وسیع و اغلب غیر اصولی برای برداشت چوب، توسط افرادی از این نهاد نظامی، به ویژه در مناطق شمال کشور صورت گرفته است. در گفتگوهایی که حول این موضوع، در دفعات متعدد و با افراد مطلع مختلف داشتم، همگی اشاره داشتند که در طول سال های پس از انقلاب ۵۷ و به ویژه پس از پایان جنگ ایران و عراق، در استان های گلستان و مازندران(به طور عمده در استان گلستان)، قطعاتی از جنگل ها در اختیار فرماندهان سپاه پاسداران گذاشته شد تا به دلخواه از آن ها بهره برداری نمایند. این به غیر از فعالیت های افرادی از مجموعه سپاه پاسداران در قاجاق چوب است که به طور گسترده و ممتد رخ داده است. در بسیاری موارد هم که اعضای نیروهای نظامی و انتظامی(و امنیتی) به طور مستقیم دست اندرکار نبوده اند، قاجاقچیان چوب را مورد حمایت قرار داده اند. در بخش بعدی این مقاله، اشاره ای به قاجاق چوب و تخریب جنگل توسط گروهی از پاسداران در جنگل های گیلان گردیده است.

قاجاق چوب تاثیر بسیار مخربی بر جنگل های کشور داشته است. در همین رابطه، دکتر محمد حسین جزیره ای یکی از چهره های ماندگار منابع طبیعی کشور گفته است: «قاجاق چوب جنگل های ایران را به روز سیاه نشانده است.»^{۳۷} از دیگر موارد برداشت چوب، باید به قطع درختان در مقیاس زیاد و در قالب اجرای پروژه های به اصطلاح عمرانی اشاره نمود. قطع درختان هرچند در پروژه پیش بینی نشده باشد، صورت می گیرد زیرا منافع کلانی از فروش چوب درختان مزبور به دست می آید.

به عنوان نمونه می توان به قطع بیش از ۱۳۵۰۰(سیزده هزار و پانصد) اصله درخت کهنسال بلوط در حوزه «سینه نمک» در منطقه حفاظت شده «دنا» در کهگیلویه و بویراحمد اشاره نمود که در طول تنها ۲(دو) روز چهارشنبه و پنج شنبه ۷ و ۸ مهر ۱۳۸۸ به وسیله قرارگاه خاتم الانبیا(زیرمجموعه سپاه پاسداران) که اجرای خط لوله گاز از عسلویه به مناطق شمال و شمال غرب کشور رابر عهده داشت، صورت گرفت.

وسعت تخریب جنگل ها در منطقه حفاظت شده دنا نزدیک به سه کیلومتر با عرض ۲۸ متر عنوان شد و پیش بینی کارشناسان این است که اگر ممانعتی در این مورد از سوی ماموران محیط بان صورت نمی گرفت، این تخریب تا مرز ۱۰۰ هزار درخت تا پایان مسیر پیش می رفته است. اگر چه مجوز زیست محیطی و ارزیابی کارشناسان محیط زیست اجازه گذر این خط لوله از کریدور سابق را داده است اما این خط لوله در مسیری دیگر و بدون رعایت ابتدایی ترین نظارت زیست محیطی و اراضی طبیعی در حال انتقال بوده است.^{۳۸} معاون محیط طبیعی سازمان محیط زیست خسارت قطع درختان مزبور را بیش از یک میلیارد تومان برآورد نمود.^{۳۹} رویداد مزبور نشان می دهد که دستگاه های حکومتی چگونه به راحتی دزدی های کلانی را با

غارت منابع ملی کشور صورت می دهند و نظارت بر فعالیت ها و پیگیری در مورد تخلفات آن ها وجود ندارد.

۸- قتل جنگل بانان و محیط بانان

فعالیت های دستگاه های حکومتی و افراد متصل به قدرت که به تخریب محیط زیست ایران انجامیده است و می انجامد، اغلب بدون مانع نبوده است و واکنش ها و مقاومت هایی را از سوی برخی افراد دلسوز و علاقه مند به سرزمین ایران در پی داشته است. طبعاً بخش عمده ای از این واکنش ها از سوی ماموران دستگاه های حفاظت محیط زیست و جنگلبانی بوده است و از همین رو، حمله به ماموران جنگلبانی و محیط بانان و کشتن و زخمی نمودن آن ها در سال های حکومت جمهوری اسلامی به دفعات اتفاق افتاده است. به دلیل برخورداری متهمان از حمایت های حکومت، پیگیری های لازم و مجازات ضاربین انجام نشده است. «براساس گزارش سازمان جنگل ها و مراتع کشور، روند روبه رشد قتل و ضرب و شتم جنگلبانان تا سال ۱۳۸۰ بیش از هر دوره دیگری بوده است. ۳۹۶ جنگلبان در فاصله سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۰ توسط قاچاقچیان چوب ضرب و شتم شدند و در برخی موارد به قتل رسیدند که در بین آن ها تعداد جنگلبانانی که دچار نقص عضو از ناحیه دست، پا، چشم و کلیه شده اند نیز قابل توجه است. مقایسه تعداد نیروهای محافظ جنگل و مرتع آسیب دیده در درگیری با قاچاقچیان چوب طی دهه های ۶۰ و ۷۰ نشان می دهد که در دهه ۶۰ تعداد ۵۶ نفر، اما در دهه ۷۰ با رشد چند صددرصدی، این رقم به ۳۴۰ مورد افزایش یافته است. براساس آمار موجود از مجموع ۳۹۶ مورد درگیری، ۱۴۵ مورد آن یعنی قریب به ۳۷ درصد در استان های شمالی کشور بوده و در بین استان های خارج از شمال نیز بیشترین درگیری را استان چهار محال و بختیاری با ۵۲ مورد به خود اختصاص داده است.

اما این آمار تنها تا پایان سال ۸۰ را دربرمی گیرد. در حالی که از این سال تاکنون [مرداد ۱۳۹۱] شش جنگلبان در گیلان و کرمانشاه به طرز فجیعی به قتل رسیدند که آخرینش ناصر پیروی بود و بیش از ۴۰ جنگلبان دیگر نیز تا پایان دهه ۸۰ مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. خوشبختانه از سال ۱۳۸۴ دیگر هیچ جنگلبانی کشته نشد....

براساس آمارها در طول سه دهه اخیر، کشتار محیط بانان به نحو چشمگیری افزایش یافته است به نحوی که از سال ۵۸ تا ۸۴، ۹۱ نفر از ماموران گارد محیط زیست و از این سال تاکنون [مرداد ۱۳۹۱] ۲۲ نفر کشته شده اند. این درحالی است که در سال های قبل از سال ۱۳۵۸ تنها چهار نفر به قتل رسیده اند! بدون شک این گستاخی روزافزون شکارچیان و متخلفان مسلح که این روزها به جای شکار حیات وحش به شکار حافظان محیط زیست رو آورده اند، بیش از هر چیز ناشی از کوتاهی مسوولان محیط زیست- از گذشته تاکنون- در حمایت و تامین جانی و مالی ماموران و عدم برخورد جدی و قاطع دستگاه قضایی با عاملان حوادث مشابه است. به طوری که تا به امروز به رغم کشته شدن بیش از ۱۱۳ نفر، هیچ یک از قاتلان آن ها مجازات نشده اند»^{۴۰}

قتل ناصر پیروی رییس اداره منابع طبیعی شهرستان ماسال توسط گروهی از اعضای سپاه پاسداران

قتل ناصر پیروی رییس اداره منابع طبیعی ماسال (در استان گیلان) به دست گروهی از اعضای سپاه پاسداران، یکی از موارد بسیار دلخراش حذف موانع سر راه باندهای مافیایی بود. مهندس ناصر پیروی با شهامتی مثال زدنی در برابر تجاوز و دست

اندازی فرماندهان سپاه پاسداران به جنگل های منطقه حوزه مسئولیت خود ایستاد و متأسفانه به دست نیروهای سپاه پاسداران، در ۷ اردیبهشت ۱۳۸۴، به طور فجیعی به قتل رسید. پیگیری و به مجازات رساندن عوامل دست اندرکار قتل ناصر پیروی مدتی طولانی به درازا کشید و عوامل متعددی در تکاپو بودند تا از مجازات متهمین جلوگیری نمایند و سرانجام با تقلای خانواده جانباخته و فشار افکار عمومی، دو متهم اصلی به چوبه دار سپرده شدند تا طولانی تر شدن ماجرا، بیشتر به ماجرا دامن نزنند و از آشکار شدن نقش افراد دیگر در تصرف و تخریب جنگل ها، قاچاق چوب و زمین خواری و ... جلوگیری گردد.

مرور پرونده ناصر پیروی، نکات زیادی را در باره فساد دستگاه های حکومتی و نقش آن ها در نابودی سرزمین ایران، روشن تر می سازد.

«... پیروی ۳ ماه قبل از اینکه به دست سرهنگ پاسدار افراسیاب نصیری و پرویز کاظمی به قتل برسد، بارها از سوی فرد اول مورد تهدید قرار گرفت و وقتی پیشنهاد رشوه نصیری به او برای تصاحب جنگل ره به جایی نبرد، این جا بود که برنامه ریزی برای ترور شخصیت او آغاز شد و هر آن چه که انگ و برجسب بود به پیشانی او نصب کردند. اما پیروی باز هم کوتاه نیامد. بارها به مسئولان ارشد استان از جمله مدیر کل منابع طبیعی، رییس حراست اداره منابع طبیعی، امام جمعه ماسال، فرماندار ماسال، سازمان قضایی نیروهای مسلح و ... کتبا و شفاهاً شکایت برد، اما ... تا این که صبح روز حادثه [۷ اردیبهشت ۱۳۸۴] مطابق معمول با خودروی سازمانی خود از منزل اش در رشت خارج شد تا خود را به اداره ماسال برساند. اما بعد از پلیس راه رشت، خودروی او به دستور ۴ نفر از ماموران ایست بازرسی متوقف شد. ماموران [سپاه پاسداران] او را در حالی که خودروی سازمانی اش نیز روشن بود، سوار یک پژو آردی کرده و او را در نزدیکی جنگل های صومعه سرا تحویل قاتلین دادند، بعد از آن پیروی توسط قاتلان با دست های بسته به داخل صندوق عقب خودرو منتقل شد تا به قتلگاه خود در داخل جنگل رسید ...

طبق اظهارات متهمان و گزارش نماینده دادستان عمومی و انقلاب رشت، او با تیغ موکت بری و به شیوه ای ناجوانمردانه که شدت انتقام جویی قاتلان را نشان می دهد از ناحیه پشت گردن که نیروی مضاعفی را هم می طلبد سر بریده می شود. افراسیاب نصیری در حالی که خود مسلح به سلاح کلت کمری هم بوده، اما برای این که پیروی عذاب بیشتری موقع مرگ متحمل شود، او را با دستان بسته به روی زمین می خواباند و با تیغ موکت بری سر او را می برد ... «خون تا شعاع یک متری زمین را می پوشاند»، همسر دل نگران پیروی از صبح نگران او می شود ... همسر پیروی می گفت: «نگران شدم به اداره ماسال زنگ زدیم اما گفتند نیامده، رفتم اداره کل منابع طبیعی در رشت، گفتم شاید امروز به خاطر این که یه جلسه دادگاه هم با یکی از اقوام همین افراسیاب نصیری بر سر تصرف اراضی ملی در رشت داشته، شاید نرفته ماسال و اومده دفتر حقوقی اداره در رشت، اما اونجا هم نبود، تا شب هر چه گشتیم پیدا نشد تا این که خبر دادند خودروی او را بعد از پلیس راه رشت پیدا کرده اند ... دو روز و نیم بعد یعنی عصر جمعه جسد او را در جنگل پیدا کردند ... نصیری می خواست چند هکتار از اراضی جنگل را برای خودش سند بزنه، آقام نمی داشت، می گفت اینجا اراضی ملی است، اینجا جزء طرح ملی صیانت از جنگله و اون گاهی وقت ها با سوء استفاده از موقعیت اش در دستگاه نظامی با خودروی نظامی به جنگل شبانه یورش میاره...»

دادگاه رسیدگی به اتهامات ۶ متهم به قتل و آدم ربایی شهید ناصر پیروی در مهرماه سال ۱۳۸۴ به صورت علنی و با حضور خیل عظیمی از مردم و برخی مسئولان استانی در رشت برگزار شد، وقتی صحنه های بازسازی شده این جنایت در دادگاه پخش

شد، اکثر حاضران گریستند و باز هم فریاد و شیون زن و فرزند و مادر و پدر پیروی بود که به آسمان بلند می شد. جسد پیروی در حالی در جنگل پیدا شد که سرش تا نیمه از بدن جدا و تیغ موکت بری در گردنش شکسته بوده، برخی از قسمت های لباس هایش به دلیل مقاومت در زمان مرگ پاره شده و هر دو مشت دستش گره شده بود، در حالی که علف های کف جنگل که از زمین کنده بود هنوز در دستش بود...»^{۴۱}

جسد ناصر پیروی بعد از گذشت ۳ روز از آدم ربایی و قتل، در جنگل های صومعه سرا کشف شد و بعد از گذشت ۴۰ روز سرانجام با همکاری یکی از افسران دایره جنایی اداره آگاهی تهران، قاتلان و آدم ربایان شناسایی و به قتل و آدم ربایی اعتراف کردند. [سر هنگ پاسدار] افراسیاب نصیری متهم به قتل و اجیر کردن ۴ نظامی و شبه نظامی [پاسدار و بسیجی] برای آدم ربایی و همدستی با پرویز کاظمی برای ارتکاب به قتل بود. وی حتی بعد از ارتکاب به قتل نیز بارها خانواده مقتول را به منظور جلوگیری از پیگیری های قضایی مورد تهدید قرار داد.^{۴۲}

احکام صادر شده

دادگاه [در سال ۱۳۸۴] افراسیاب نصیری و پرویز کاظمی که با مشارکت هم ناصر پیروی را به طرز فجیعی سر بریده و به قتل رسانده بودند را به قصاص محکوم کرد. سایر متهمان پرونده به اتهام آدم ربایی به ۱۵ سال حبس محکوم شدند.^{۴۳}

متهمین و حامیان آن ها در مراحل مختلف تلاش نمودند که به هر طریق جلوی مجازات را بگیرند. از جمله اگرچه دادگاه بدوی حکم قصاص افراسیاب نصیری و پرویز کاظمی را صادر کرده بود اما دیوان عالی کشور، احکام را تایید نمی کرد.^{۴۴}

سرانجام، افراسیاب نصیری و پرویز کاظمی به اتهام قتل این جنگلبان به اعدام و به اتهام شرکت در آدم ربایی به ۵ سال حبس محکوم شدند. سه متهم بعدی به اتهام آدم ربایی به ۱۵ سال حبس محکوم شدند. متهم ردیف شش به علت عدم وجود دلایل کافی تبرئه گردید [!]. قاتلان سرانجام در آذر ۱۳۸۷ در رشت اعدام شدند. این اعدام، اولین مورد از اعدام افرادی بود که اقدام به قتل یا جرح جنگلبانان و محیط بانان کرده اند.^{۴۵}

ادعای سپاه پاسداران مبنی بر عدم وابستگی متهمان به آن نیرو

در استعلام دادگاه از سپاه درباره متهمان ردیف ۲ تا ۵، سپاه اعلام می کند که این افراد به دلیل سوء استفاده از عنوان بسیجی، دستگیری های خود سرانه، حمل سلاح، گشت خارج از محدوده و ... از سال ۸۳ بسیجی محسوب نمی شده اند! خیلی جالب است که به نکات زیر توجه کنید:

۱- اگر این ها رابطه خاصی با سپاه نداشته اند چرا اول در بازداشتگاه سپاه بازداشت شده اند؟ با توجه به این که آگاهی تهران پیگیر پرونده بوده!

۲- چرا پیروی از متهم ردیف دوم [سر هنگ پاسدار افراسیاب نصیری] به سازمان قضایی نیروهای مسلح شکایت کرده؟ در حالی که متهم از سال ۸۳ نظامی نبوده!

۳- متهم ردیف دوم روز حادثه پس از مراجعه به محل کارش (!) از دژبان خواسته که ساعت ورود او را از ۹/۱۰ به ۸/۱۰ تغییر داده و نیز نوع خودرو او را هم خلاف واقع ذکر کند!

اگر او از خدمت اخراج شده، چگونه به محل کارش رفت و آمد داشته و چرا دژبان از دستور او اطاعت کرده؟

۴- این افراد منفک از خدمت چگونه توانسته اند حکم جلب بگیرند؟ مسلم حکم جعلی نبوده وگرنه پیروی با ۲۴ سال سابقه خدمت و آشنایی به احکام قضایی از رفتن با آن ها امتناع می کرد.

۵- دست پیروی را با یک دست بند نظامی بسته بودند؛ آیا متصور است عده ای از افراد اخراج شده از خدمت نظامی با فاصله یک سال از حادثه، هنوز سلاح و تجهیزات نظامی داشته باشند؟(به شهادت متهم ردیف اول، سرهنگ نصیری کلت کمربندی به همراه داشته ...!)»^۶

سرهنگ پاسدار افراسیاب نصیری در زندان

آرش سیگارچی که در مقطعی با سرهنگ پاسدار افراسیاب نصیری در زندان هم بند بود، در باره او، مطلبی نوشته است(در آبان ۱۳۸۷)، که قابل توجه است: «انتقام از قاتل جنگلبان گیلانی ... خواندم که تا چند ساعت دیگر قاتل «ناصر پیروی» جنگلبان ماسالی اعدام می شود. حتما به خاطر دارید که چهار سال پیش ابتدا اعلام شد که رییس اداره منابع طبیعی شهر ماسال - در غرب گیلان - ابتدا ناپدید و سپس به طرز فجیعی به قتل رسیده است. بعد از مدتی مشخص شد که قاتل یا قاتلین او، مجموعه ای از نظامی های عضو سپاه پاسداران همان منطقه بودند که چون در قاچاق چوب دست داشتند، و جنگلبان پیروی مانع شان بود، ابتدا سعی کردند او را تطمیع کنند وقتی این در او اثر نداشت، تهدیدش کردند و در نهایت هم به قتلش رساندند. آن هم چه قتلی. پس از زندانی کردنش در صندوق عقب ماشین، ساعتی کتکش زدند و در نهایت با تیغ موکت بر(البته روایتی هم می گوید با اهره موتوری) سرش را از بدن جدا کردند.

... یک روایت از من در این مورد:

من در این مقطع به خاطر فعالیت های مطبوعاتی ام مدتی زندان بودم و تازه از زندان به طور موقت آزاد شده بودم ... بعد از چندی وقتی حکم ام تایید شد، به زندان برگشتم و در زندان بود که یکی از زندانیان توجهم را جلب کرد. مردی قد بلند، با ریشی شبیه حزب اللهی ها ... همه سرهنگ صدایش می زدند اما خودش همیشه ساکت بود. از قاسم، همان قاتلی که مسوول اتاقم بود، پرسیدم، این جرمش چیست؟، گفت این همان کسی است که جنگلبان را کشته است. اسمش افراسیاب نصیری است. تا ته اش را می توانستم بخوانم. یک هم جرم داشت که فکر کنم نامش «مبارکی» بود. با این که قتل را مرتکب شده بودند، اما این دو را با متهمان جرایم مالی در بند شش نگه داشته بودند و دو هم جرم دیگر را که احتمالا درجه شان از این ها پایین تر بود، فرستاده بودند بند چهار که بند تخصصی قاتلان بود.

چند ماهی را در بند شش با هم زندانی بودیم ... خیلی از مرگ می ترسید. من به شخصه که هرگز گمان نمی کردم اعدام شود. بخصوص که هر هفته در چند نوبت ملاقات کننده هایی قابل توجه داشت و امکاناتی برایش فراهم بود. یک بار هم گفته بود بیرون دارند رضایت می گیرند. چند تا از بچه های سپاه رفته اند رضایت بگیرند!

این را با گوش خودم شنیدم که می گفت: «اول انقلاب من کلی مجاهد کشته ام. نظام نمی گذارد، من را اعدام کنند. من برای این نظام زحمت کشیده ام...»

افراسیاب قصه ما اینک بد جور تنها مانده و در یک قدمی طناب دار است. دار مکافات عمل! ... هرچند او قاتل است و مجرم و بر اساس قوانین ایران باید با قصاص(اعدام) به سزای عملش برسد، اما اگر دست من بود می گذاشتمش در زندان. برای ابد.

برای ظلمی که به «پیروی» کرد، برای ستمی که به همسر این جنگلبان کرد. برای همه تخلفات دیگری که هرگز مشخص نشد. برای اینکه بالادستی هایش را لو نداد و برای هر چیز دیگر...»^{۴۷}

واقعیت این است که روابط سیاسی و اجتماعی و شرایط موجود در ایران، جایگاه ویژه ای به سپاه پاسداران داده است و دست این مجموعه بسیار عظیم برای هرگونه تخلف و غارت و ثروت اندوزی و سودجویی باز است. البته تخریب هایی که توسط ارگان های نظامی و به ویژه سپاه پاسداران صورت می گیرد، خود جزیی و بخشی از تخریب و ویرانگری بزرگتری است که در ایران انجام می گیرد و هر فرد و یا نهاد و دستگاهی که بتواند، در پی سودجویی به تاراج می پردازد و محیط زیست و مقولاتی از این دست، برای آن ها دارای هیچ ارزشی نیست.

روابط و مناسبات حاکم بر نیروهای نظامی با طبیعت ایران، بیانگر رفتارهای حاکمان کشور با سرزمین و جامعه ایران است. نیروهای نظامی و انتظامی همان رفتاری را از خود بروز می دهند که کلیت نظام حاکم با مردم دارد. اگر حکومت مردمی می بود، نیروهای نظامی و انتظامی آن هم مردمی و در خدمت مردم می بودند نه بر علیه مردم و سرزمین ایران. در واقع نیروهای نظامی و انتظامی- و امنیتی- جمهوری اسلامی، برای حفظ و پاسداری از مناسبات حاکم وجود دارند.

من در این مقاله جزیی از یک تخریب را نشان دادم که خود جزیی از تخریبی بزرگتر است. رفتار نیروهای حاکم، فقط جنایت علیه طبیعت نیست (صد البته گیاهان و جانوران به عنوان موجودات زنده و به عنوان عناصر اکوسیستم ها دارای ارزش و اهمیت و جایگاه خاص خود می باشند) بلکه جنایت مستقیم در حق انسان ها نیز هست. در نهایت، موضوع فقط این نیست که دست سپاه پاسداران از مردم و سرزمین ایران کوتاه شود، بلکه کل مناسبات حاکم می بایستی در هم شکسته شود و مناسباتی بر کشور حاکم شود که دیگر چنین تخریب ها و فجایعی وجود نداشته باشد. بدان امید.

منابع و پی نوشت ها:

۱- <http://www.hamshahrionline.ir/details/73636>

۲- «هنوز ۶ ماه از برگزاری رزمایش توسط یکی از ارگان های نظامی در حریم پارک ملی کویر و داخل ناحیه امن منطقه حفاظت شده کویر در ۵۰ کیلومتری تهران نگذشته که فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح کشور با ابلاغ بخشنامه ای، خطاب به تمامی قوای مسلح کشور برگزاری هرگونه مانور در مناطق حفاظت شده سازمان حفاظت محیط زیست و پارک های ملی را ممنوع اعلام کرد.

سرلشکر فیروزآبادی با ابلاغ این بخشنامه در تاریخ ۸۶/۹/۱۳ با تاکید بر ضرورت حفظ مناطق چهارگانه سازمان محیط زیست برای نسل های بعد، از قوای مسلح درخواست کرده چنانچه به هر دلیلی پیش تر وارد مناطق حفاظت شده شده اند، با اعلام موضوع به ستاد کل نیروهای مسلح، چگونگی تخلیه و خروج را از طریق این ستاد پیگیری نمایند. خبر «کانون عالی گسترش فضای سبز و حفظ محیط زیست ایران» در این باره که دو روز قبل روی خروجی سایت این کانون منتشر شد هر چند کوتاه اما بسیار امیدوار کننده بود، از این جهت که بعد از این دیگر امنیت و آرامش هیچ پناهگاه حیات وحش و هیچ پارک ملی ای تهدید نمی شود.

پارک ملی نای بند، منطقه حفاظت شده دنا، پارک ملی خجیر، پارک ملی سرخه حصار، منطقه حفاظت شده جاجرود، پارک ملی و منطقه حفاظت شده کویر و... همه اکوسیستم های بکری هستند که در سال های گذشته بنا به ضرورت های خاص برای انجام رزمایش در اختیار نیروهای مسلح کشور قرار گرفته بود، در حالی که همیشه این پرسش اساسی مطرح بود که آیا به راستی هیچ نقطه دیگری در این کشور به جز مناطق تحت حفاظت سازمان محیط زیست که کانون های تنوع زیستی ایران به شمار می روند، وجود نداشته که همیشه زیستگاه امن وحوش به میدان تیر و مانور بدل شده است، آن هم در شرایطی که تنها ۷ درصد خاک کشور به عنوان مناطق تحت حفاظت در اختیار سازمان محیط زیست است و ۹۳ درصد دیگر آزاد است؟! نتیجه این اقدامات در سال های گذشته چیزی نبوده جز رانده شدن و مهاجرت گروهی گله های آهو و قوچ و میش و کل و بز و گور خر به بیرون از مناطق و بعد هم شکار آنها. در برخی موارد هم لاشه جنین های روی زمین به جا مانده که در اثر ترس و وحشت جانوران ماده سقط شده و از بین رفته اند و یا بعضا لاشه جانورانی که اشتباها هدف گلوله یا خمپاره قرار گرفته اند و در این گیرودار قربانی شده اند. به هر حال، اقدام طبیعت دوستانه فرماندهی ستاد کل نیروهای مسلح کشور را که با صدور بخشنامه ای امیدوارکننده و در ۴ بند خواستار ممانعت همه قوای مسلح از ورود به مناطق تحت حفاظت شده، در وهله نخست باید به فال نیک گرفت و در شرایطی که گاهی حتی بسیاری از مسوولان ارشد کشور همچون معاون رئیس جمهور، « سیاست های حفاظت از محیط زیست را توطئه غرب علیه دنیای اسلام» می دانند، چنین بخشنامه ای را به عنوان نقطه عطفی در آشتی بین نهادهای نظامی با طبیعت به ثبت رساند

پادگان ها در مناطق همچنان پا بر جاست

پرسش خبرنگار اعتماد ملی از معاون محیط طبیعی سازمان محیط زیست این بود که مطابق با این دستورالعمل جدید آیا بعد از این در هیچیک از مناطق تحت حفاظت محیط زیست مانوری برگزار خواهد شد؟ و دیگر اینکه تکلیف پادگان ها و اراضی حفاظت شده ای که در خجیر و سرخه حصار و کویر و نای بند در اختیار این ارگان ها قرار گرفته چه می شود و آیا این مناطق تخلیه می شود؟ نجفی [معاون محیط طبیعی سازمان محیط زیست] در پاسخ به این پرسش ها گفت: ما امیدواریم که این طور باشد و بر مبنای این بخشنامه، دیگر هیچ مانوری در مناطق ما اتفاق نیفتد، در عین حال به طور همزمان رایزنی هایی هم با وزارت دفاع داشتیم، چون واگذاری زمین به نیروهای نظامی یا استقرار های موقت یا واگذاری های دائمی از طریق وزارت دفاع صورت می گیرد و به عنوان مثال در ارتباط با اراضی پارک ملی نای بند قرار شده وسعت استقرار نیروهای نظامی در این منطقه به حداقل کاهش یابد. در مورد پارک ملی کویر هم پیشنهاد ما جابه جایی نیروهاست اما هنوز به نتیجه ای نرسیده ایم و در حال مذاکره هستیم....»

مژگان جمشیدی: فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح با صدور بخشنامه ای به قوای مسلح کشور اعلام کرد: از انجام رزمایش نظامی در پارک های ملی خودداری کنید. روزنامه اعتماد ملی، شماره ۵۳۷ (۲۶ آذر ۱۳۸۶)، صفحه ۷ (محیط زیست).

۳- <http://abhayesepid.blogfa.com/post-197.aspx>

۴- در گزارشی از مسابقات رالی قهرمانی کشور (کویر ۸۶)- که در روزهای سوم و چهارم آبان ماه ۱۳۸۶، همزمان با مانور سپاه پاسداران در پارک ملی کویر برگزار شد- چنین آمده است: «... این مسابقه که قرار بود به مجموع ۳۵۰ کیلومتر مسیر رفت

و برگشت و شامل حدود ۲۰۰ کیلومتر تست خاکی برگزار شود ، در روز اول یک تست و در روز دوم ، دو تست آن به دلیل مانور سپاه در منطقه حذف شد ... در روز اول مسابقه بعد از پایان تست اول ، خودروها در محوطه ای باز در اواسط تست دوم نگه داشته شدند تا مانور به پایان برسد ... در روز دوم یک عدد خمپاره به نزدیکی ساسان عزیزی اصابت کرد....»

<http://www.carnp.com/newsdetail-797-fa.html>

۵- <http://www.kurdistanmedia.com/farsi/index.php?besh=dreje&id=1327>

۶- <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1509696>

۷- <http://www.rajanews.com/detail.asp?id=138630>

۸- <http://aftabnews.ir/vdcgut9u.ak93w4prra.html>

[در نواحی بیابانی، به برجستگی های بین شیارهای U شکل، کلوت می‌گویند/ ویکی پدیا]

۹- <http://aftabnews.ir/vdcdzx0fzyt0fx6.2a2y.html>

۱۰- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=1181464>

۱۱- <http://www.rdek1.blogsky.com>

۱۲-

<http://www.voanews.com/persian/news/iran/iran-enviornment-forests-09-03-2011-117684714.html>

۱۳- <http://www.hamshahrionline.ir/details/165260>

۱۴- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8709180671>

۱۵- <http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=pages&ID=540&Sub=199>

۱۶- **آلودگی رودخانه گوهر رود گیلان:** برابر گزارشی که در بهمن ۱۳۸۹ منتشر گردید، مواد زاید و فاضلاب پادگان آموزشی سپاه پاسداران رشت که در مسیر رودخانه گوهر رود قرار دارد، و نیز فاضلاب زندان لاکان رشت، به رودخانه گوهر رود می ریزد و از جمله مهمترین منابع آلودگی رودخانه مزبور می باشد. آلودگی آب، علاوه بر از بین رفتن موجودات آبی، سبب مهاجرت ماهیان و ازدیاد رشد گیاهان آبی شده است.

<http://www.mohit-zist.com/viewtopic.php?f=7&t=1259>

۱۷- **آلودگی میکروبی رودخانه دز در پی ورود فاضلاب:** رییس اداره حفاظت محیط زیست دزفول- در مرداد ماه سال ۱۳۸۹- در باره آلودگی رودخانه دز گفت: «... فاضلاب پادگان نظامی تیپ ۲ زرهی خوزستان که در دزفول مستقر است وارد رودخانه دز می شود. هرچند که این پادگان دارای سیستم تصفیه فاضلاب است و پساب حاصل از سیستم تصفیه وارد رودخانه دز می شود. پساب حاصل از سیستم تصفیه فاضلاب این پادگان نظامی به صورت دوره ای پایش می شود و برخی مواقع میزان آلودگی میکروبی آن افزایش می یابد. میزان آمونیاک موجود در پساب این پادگان نظامی بالا است و اکنون از شرایط رهاسازی پساب پادگان در رودخانه دز راضی نیستیم ... با توجه به این که بسیاری از شهروندان و مسافران از رودخانه دز برای شنا استفاده می

کنند لازم است هر چه سریع تر از ورود فاضلاب به این رودخانه پیشگیری شود.»

<http://old.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1592656>

۱۸- **جریان رود فاضلاب در شهر بناب استان آذربایجان شرقی:** رودخانه قویی چای از شاخه های رودخانه صوفی چای محسوب می شود که تا چند سال پیش، پس از عبور رودخانه صوفی چای از روستای چلغائی شهرستان بناب از آن جدا و از قسمت جنوب شرقی به شهر وارد می شد و پس از طی حدود ۵ کیلومتر در داخل شهر به طرف غرب و به سوی دریاچه ارومیه جریان داشت اما اکنون خشک و بی آب است و به دلیل نبود لوله کشی مناسب، فضولات انسانی وارد این منطقه می شود. به گفته نماینده بناب در مجلس: این معضل به حدود ۳۰ سال پیش برمی گردد و تقریباً ۳۰ هزار نفر از ساکنان اطراف رودخانه را با مشکل مواجه کرده و چون تقریباً از وسط شهر بناب رد می شود چهره شهر را بسیار زشت و ناپسند کرده است. باتوجه به این که آب های سطحی به صورت فصلی در این رودخانه جریان دارد و نیز به دلیل نبود لوله کشی فاضلاب، فضولات انسانی و به خصوص فاضلاب پادگان امام رضا به این رودخانه واریز می شود، لذا این عوامل باعث ایجاد بوی بسیار بد و مسمن کننده شده و این امر نه تنها زندگی را به کام اهالی منطقه تلخ کرده بلکه سلامت آنان را در معرض خطر قرار داده است ... قسمت عمده ایجاد معضل زیست محیطی قویی چای به این پادگان برمی گردد.

سعیده دلالت علیپور: جریان رود فاضلاب در شهر بناب استان آذربایجان شرقی. روزنامه جام جم، شماره ۳۰۸۱ (۸۹/۱۲/۱۲)، صفحه ۱۵ (ایران).

۱۹- **بوی نامطبوع فاضلاب پادگان بیرجند:** مدیر امور آب و فاضلاب بیرجند- در خرداد سال ۱۳۹۱- در مورد علت بوی نامطبوع فاضلاب پادگان بیرجند و گلایه شهروندان اظهار داشت: «در سنوات گذشته نواقصی در سیستم بهره برداری از تاسیسات فاضلاب داخلی پادگان به عنوان یک معضل شهری وجود داشته است که با اجرای طرح فاضلاب و نصب انشعاب فاضلاب پادگان به شبکه شهری مشکل فوق مرتفع شده است. اخیراً با بروز مشکل بو در مسیر پادگان با بررسی های انجام شده مشخص شد این بو ناشی از نقص تاسیسات پمپاژ شبکه داخلی فاضلاب پادگان است. اصلاح این مشکل در تعهدات امور آب و فاضلاب بیرجند نیست. به این مجموعه پیشنهاد شده است که با توجه به انتقال بخش اعظم پادگان به خارج شهر قسمت هایی که امکان اتصال به شبکه فاضلاب شهری را دارند منفک و حتی المقدور با حذف سیستم پمپاژ مشکل بو را مرتفع سازند.»

<http://birjandemrooz.com/index4Email.php?obj=News&taskName=ShowDetails&IDD=211>

۲۰- مهرپور محمدی، مهرداد: پارک ملی سرخه حصار. ۲۰۱۱.

http://partov.wordpress.com/2011/10/01/park_melli_sorkhe_hesar/

-۲۱

<http://www.asriran.com/fa/news/121168/%D9%85%D8%B1%D8%BA%D9%88%D8%A8%E2%80%8C%D8%AA%D8%B1%D9%8A%D9%86-%D8%B2%D9%85%D9%8A%D9%86-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%83%D8%B4%D8%A7%D9%88%D8%B1%D8%B2%DB%8C-%D8%B1%DB%8C-%D9%BE%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%86-%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%D8%B4%D9%88%D8%AF>

۲۲- «محاصره تهران از سوی پادگان ها: ... وسعت این زمین ها بسیار زیاد است آخرین آماري که ارائه شده رقم قابل ملاحظه ای است که ۱۰ الی ۱۲ درصد از سطح تهران یعنی چیزی حدود ۷۲ کیلومتر مربع را به خود اختصاص داده است.

... در بند(۵) مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در این باره آمده است: احداث و توسعه تاسیسات نظامی از قبیل پادگان ها و میادین آموزشی و تمام یا هر قسمت از هرگونه تاسیسات دیگر متعلق به واحدهای نظامی و انتظامی که عملکرد شهری ندارند، در داخل محدوده و حریم استحفاظی شهرها ممنوع است. تاسیسات مشابه موجود نیز باید در قالب برنامه تدریجی از محدوده و حریم شهرها خارج شده و اراضی و ساختمان های باقی مانده تغییر کاربری داده و با رعایت اولویت های شهری به مصارف عمومی برسد. اما این مصوبه در سال های سازندگی [!] به فراموشی سپرده شد ...

یک کارشناس شهرسازی نیز معتقد است که پادگان هایی که دست ارتش یا نیروی انتظامی قرار دارند، انتظار دارند که ارزش به روز ملک آنها بازگردانده شود تا به تخلیه این اراضی اقدام کنند اما مسئله مهم این است که این اراضی بیش از ۵۰ کیلومتر را در برمی گیرد و شهرداری و دولت قطعاً نمی توانند چنین هزینه هنگفتی را برای خرید این زمین ها پرداخت کنند و پروژه در نهایت همچنان معلق می ماند. همچنین در یک بحث دیگر ارتش می خواهد با شهرداری و دولت معامله کند و معتقد است که ما در صورتی این اراضی را تخلیه می کنیم که قسمتی از زمین را با تغییر کاربری به مسکونی، به خود ما بازگردانید و چون شهرداری چنین کاری نمی کند و دولت نیز در شرایطی است که نمی تواند به آن ها چیزی را تحمیل کند در نتیجه چنین اقداماتی بی نتیجه خواهد ماند. اگر پادگان ها تبدیل به بافت مسکونی شوند برای شهر ضرر خواهد داشت.

این اراضی در جاهای خوب تهران و در ابعاد گسترده و وسیع در اختیار این نهادهای نظامی قرار دارد و با عدم خروج این نیروها از سطح شهر، تبعات تاسف بار همچنان ادامه خواهد داشت. شهر نیاز به زمین برای فعالیت های خدماتی و فضای سبز دارد....

تخلفات صرفاً مختص نیروهای مسلح نیست و تقریباً بیشتر دستگاه های دولتی، ساخت و سازهای غیر مجاز دارند. این ساخت و سازها، مشکلات عدیده زیست محیطی برای شهر دارد و تهران را با بحران جدی مواجه می کند. با توجه به این توضیحات به نظر می رسد که تهران در آستانه فاجعه قرار دارد...»

<http://www.hamshahrionline.ir/details/80301>

۲۳- <http://www.pgnews.ir/showpage.aspx?id=43514>

۲۴- ساخت پادگان قاین (پادگان غدیر): در سال ۱۳۹۱ اعلام گردید که ۶۰۰ هکتار زمین برای احداث پادگان قاین در نظر گرفته شده است که در حدود ۲۰۰ هکتار زمین های متعلق به منابع طبیعی بود که واگذار شده است و بخش بزرگی نیز زمین های کشاورزی بوده است که به رغم تملک توسط ارتش، به علت عدم تامین اعتبار، تسویه حساب با مالکین زمین ها انجام نگرفته است و در عمل زمین ها از کاربری اصلی خود خارج شده است.

<http://javanonline.ir/vdcco1q0p2bqmm8.ala2.html>

۲۵- ساخت پادگان سپاه در خوی: برای احداث پادگان (امام خمینی) متعلق به نیروی زمینی سپاه پاسداران در خوی، که در آبان ماه سال ۱۳۸۶ به بهره برداری رسید، زمینی به مساحت ۱۴۵ هکتار در منطقه دیزج جمشیدخان اختصاص یافت.

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1509740>

۲۶- محل احداث پادگان جدید لشگر ۷۷ پیروز ثامن الانمه: برای احداث پادگان جدید لشگر ۷۷ خراسان، زمینی به مساحت بالغ

بر ۱۰۰۰ هکتار اختصاص یافته و عملیات احداث از سال ۱۳۸۸ آغاز شده است.
روزنامه خراسان: «بازدید استاندار از محل احداث پادگان جدید لشکر ۷۷ پیروز ثامن الائمه(ع)». شماره ۱۷۷۹۹ (شنبه ۲۸/۱۲/۱۳۸۹). اخبار خراسان رضوی.

۲۷- اختصاص ۱۳۰۰ هکتار زمین برای پادگان ارتش در بجنورد: در اسفند ۱۳۹۰، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری خراسان شمالی از اختصاص بیش از یک هزار و ۳۰۰ هکتار زمین ملی (واقع در تخته اردکان بجنورد) برای انتقال پادگان بجنورد و نیز تحویل اراضی میدان تیر ارتش واقع در منطقه علی‌آباد خبر داد.

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13901214001348>

۲۸- <http://www.tabriz.ir/?PageID=222>

« 29- قانون فروش و انتقال پادگان ها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها

تاریخ تصویب: ۱۱/۶/۱۳۸۸

ماده ۱- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مکلفند با درخواست ستاد کل نیروهای مسلح، دولت یا شهرداری ها (از طریق وزارت کشور) و در صورت موافقت فرماندهی کل قوا نسبت به فروش (از طریق مزایده یا توافق) و انتقال پادگان ها و سایر اماکن تحت تملک از محدوده شهرها به خارج از حریم آنها با توافق وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری ها و یا سایر دستگاه های اجرایی اقدام نمایند. در ارتباط با اراضی وقفی نیز مطابق قوانین مربوطه عمل می شود.

تبصره - اماکن نیروهای مقاومت بسیج، ناجا، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان های وابسته و تابعه آن و سپاه انصار (به جز پادگان های آموزشی، مراکز تولید سلاح و مهمات و زاغه های مهمات آنها) و مراکز علمی، پژوهشی، درمانی رفاهی و منازل مسکونی نیروهای مسلح و همچنین ستاد کل، ستادهای فرماندهی کل سپاه و ارتش و ستادهای نیروها از موضوع این ماده مستثنی می باشند. در موارد اختلافی نظر ستاد کل نیروهای مسلح حاکم است.

...

ماده ۵- وزارت جهاد کشاورزی مکلف است در موارد جابه جایی موضوع این قانون، زمین مناسب مورد نیاز جهت احداث پادگان یا اماکن جایگزین و حریم آنها را مطابق معیارها و مقررات نیروهای مسلح واگذار نماید.

...

[http://www.imj.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=1082:1388-12-14-22-59-](http://www.imj.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=1082:1388-12-14-22-59-00&catid=83:1388-11-03-08-39-39&Itemid=221)

[00&catid=83:1388-11-03-08-39-39&Itemid=221](http://www.imj.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=1082:1388-12-14-22-59-00&catid=83:1388-11-03-08-39-39&Itemid=221)

۳۰- <http://hashemirafsanjani.ir/fa/node/195078>

۳۱- مدیرکل منابع طبیعی گلستان در پاسخ به این سوال که چگونه ۱۰ هکتار جنگل برای ساخت موزه به یک نهاد واگذار شده گفت: «این مقدار ۱۰ هکتار نیست و حدود شش هزار متر است که در سال ۷۳ برای دفن شهدای گمنام به بنیاد حفظ ارزش های دفاع مقدس داده شده است. آنها تمام مجوزهای لازم را در همان زمان دریافت کرده اند و حالا در حال اجرای طرح هستند».

اما رییس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و زیست شهری شورای اسلامی شهر گرگان درباره مساحت زمین تصرف شده گفت:

«مجوز اجرای طرح در شش هزار متر داده شده اما فنس کشی در اطراف ۱۰ هکتار انجام شده است.» او در نامه ای خطاب به رییس دفتر بازرسی خامنه ای نوشت: «بیش از دو سال است که یکی از نهادهای استان گلستان حدود ۱۰ هکتار از اراضی جنگلی را در ارتفاعات و دل جنگل های طبیعی و بکر ناهارخوران گرگان به بهانه تاسیس موزه محصور کرده و بی توجه به مخالفت های مردمی، اخیرا به قطع درختان و خاکبرداری عجیب و بی سابقه در این منطقه جنگلی (نورالشهدا) جهت ساخت و ساز اقدام نموده است... شواهد حاکی از عزم این نهاد نظامی جهت ساخت و ساز گسترده یک مجموعه اختصاصی این نهاد به بهانه احداث موزه است... این نهاد مستقیما زیر نظر مقام معظم رهبری قرار دارد... حجم عجیب خاکبرداری در دل جنگل، کارشناسان منابع طبیعی را نیز حیرت زده کرده است. در حالی که به فاصله چند دقیقه از شهر گرگان، زمین های غیرجنگلی و حتی کم بازده وجود دارد، انتخاب و اصرار بر تخریب یک عرصه کاملا طبیعی و جنگلی و همچنین عدم پاسخگویی و تهدیدهای امنیتی در برابر سوالات مردم شایبه های زیادی را گمانه می زند. عرصه جنگل های انبوه شمال کشور یادآور کدام یک از مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس است؟»...!

مهرپور محمدی، مهرداد: محیط زیست ایران قربانی حکومت جمهوری اسلامی. ۲۰۱۲.

http://partov.wordpress.com/2012/05/19/mohit_zist_iran-ghorbani_jomhuri_eslami-mehrdad_mehrpour_mohammadi/

<http://jahanezan.wordpress.com/2012/10/16/19936/> -۳۲

<http://isdle.ir/news/index.php?news=8627> -۳۳

۳۴- یک کارشناس حقوقی می گوید: «برخی سازمان های نظامی و غیرنظامی برای انجام مانور نظامی یا طرح های عمرانی خودسرانه وارد مناطق حفاظت شده می شوند. همه موظف هستند قبل از هرگونه اقدامی از سازمان حفاظت محیط زیست مجوز لازم را برای ورود به این مناطق بگیرند. سازمان حفاظت محیط زیست تنها برای ورود به مناطق غیرحساس باید مجوز صادر کند. اجازه حضور در مناطق غیرحساس نیز برای مدت کوتاهی صادر می شود و دستگاه درخواست کننده پس از پایان مهلت مورد نظر، باید اراضی را با همان حالت اولیه باید به سازمان حفاظت محیط زیست بازگرداند. واگذاری زمین های حفاظت شده ممنوع است و نباید به هیچ وجه این اقدام صورت گیرد. وی به باندهای زمین خواری اشاره می کند و می گوید: برخی از افراد به هر نحوی که شده زمین های باارزش را تصاحب کرده و با قیمت های گزاف دوباره می فروشند...»

<http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100886464150>

۳۵- شرکت هایی که مستقیم یا غیرمستقیم به نهادهای نظامی [سپاه پاسداران] وابسته بودند، به ویژه شرکت فارس مبین (وابسته به بنیاد تعاون بسیج فارس)، به دلیل برخورداری از حمایت [سردار] نجفی و عزیزی، به «شَرخری» نیز روی آوردند. آنان در املاکی که در سال های پس از انقلاب به تصرف غیر مالکین درآمده، و مالکین از اسناد ثبتی و حقوق قانونی بهره مند بودند ولی توان خلع ید از متصرفین را نداشتند، به انعقاد قرارداد با مالکین پرداختند و سپس با اخراج متصرفین، سهمی بزرگ از اراضی را دریافت کردند.

شهبازی، عبدالله. زمین و انباشت ثروت: تکوین الیگارشسی جدید در ایران امروز. فروردین ۱۳۸۷.

http://www.ketabfarsi.org/ketabkhaneh/ketabkhani/ze_11.html

-۳۶

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/03/110309_110_ejei_land_appropriation_corruption.shtml

<http://www.cisiran.ir/news/150-ghachagh.html> -۳۷

<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100919030304> -۳۸

<http://damghanhunter.blogfa.com/88074.aspx> -۳۹

۴۰- مژگان جمشیدی: «مرگ همه سهم محیط بانان». روزنامه شرق، شماره ۱۶۰۱ (۹۱/۵/۲۲)، صفحه ۱۳ (محیط زیست).

<http://jamshidi6.blogfa.com/post-94.aspx> -۴۱

<http://isdle.ir/news/index.php?news=100> -۴۲

۴۳- سایر متهمان پرونده؛ حسن رهنما، علی رضا خیرجو، فرهاد قدرچهره و محمدعلی بینا نام داشتند که ۳ نفر از آنها بسیجی و یک نفر دیگر پاسدار بودند.

<http://naserpayrovi.blogfa.com/post-31.aspx>

۴۴- در گزارشی- انتشار یافته در هفتم اردیبهشت ۱۳۸۶- به این موضوع پرداخته شده است: «چرا فریادهای همسر جوان و داغدار شهید پیروی و سه دختر یتیم شده اش را که ۱۰ روز قبل در اعتراض به عدم تایید حکم قصاص یکی از قاتلان در ساختمان دیوان عالی کشور تا ساعت ها ضجه و شیون زدند کسی نمی شنود؟ آیا برآستی خدمت در یک نهاد نظامی و پست و مقام و درجه بالا می تواند حتی برای متهمان به قتلی که خود اعتراف به چنین جنایتی کرده اند، مصونیت قضایی و حقوقی را به دنبال داشته باشد؟ که اگر پاسخ غیر از این است چرا هنوز هم مجازاتی برای قاتلان در نظر گرفته نشده تا لاقل مرهمی باشد بر دل زخم خورده خانواده پیروی و امید به این که عدالت اجرا می شود؟ چرا متهمان به آدم ربایی که آنها نیز از نهادهای نظامی و امر به معروف بودند اکنون با قرار وثیقه آزاد هستند؟!»

... چرا در کمتر از سه دهه ۴۲۰ جنگلبان و ۹۵ محیط بان محیط زیست مورد هجوم و ضرب و شتم قرار گرفته و جان خود را از دست داده اند اما هنوز هم هیچیک از متهمان به قتل به مجازات نرسیده اند؟ اگر آن روز که قاچاقچیان چوب، دست و پای جنگلبانان را به جای کنده درخت، اره کرده و قطع می کردند و اگر آن روز که جنگلبانان و ماموران حافظ منابع طبیعی و محیط زیست را زیر تراکتور و لودر گذاشته و از روی آن ها می گذشتند با متهمان برخورد قضایی شده بود، آیا باز هم امروز کسی جرات می کرد چنین گستاخانه سر از بدن پیروی جدا کند؟»

<http://jamshidi6.blogfa.com/post-94.aspx>

۴۵- متهم ردیف اول پرونده قتل، پرویز کاظمی ۴۳ ساله اهل ماسال و ساکن رشت و دارای شغل آزاد. متهم ردیف دوم افراسیاب نصیری ۴۶ ساله اهل ماسال و ساکن رشت. متهم ردیف سوم ۳۲ ساله، اهل و ساکن رشت. متهم ردیف چهار ۲۵ ساله، اهل و

ساکن رشت. متهم ردیف پنجم از نیروهای امر به معروف در رشت و متهم ردیف ششم ۳۹ ساله و نظامی [پاسدار] بوده‌اند.

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%A7%D8%B5%D8%B1_%D9%BE%DB%8C%D8%B1%D9%88%DB%8C

۴۶- ... متهم ردیف اول پرونده «ناصر کاظمی» در بین محلی‌ها به داشتن رابطه با ساواک، پیش از انقلاب، معروف بود. ... در پگاه هفتم اردیبهشت ۱۳۸۴، متهمان ردیف سوم تا پنجم که بسیجی و ضابط قضایی بوده‌اند، با در دست داشتن حکم جلب- که به کمک سرهنگ نصیری و با اختیارات بی حد و حصر او تهیه شده بود- خودروی دولتی «پیروی» را در سه راهی پاسگاه ملاسرای شفت متوقف می‌کنند و از پیروی می‌خواهند که با آن‌ها برود. بعد او را به محل قرارشان با متهمان ردیف ۱ و ۲، جنگل‌های ضیابر صومعه سرا، برده و تحویل می‌دهند. بعد که کار انجام می‌شود و آن‌ها به سراغ سرهنگ نصیری می‌روند، نصیری به آن‌ها می‌گوید: «سر اون پیروی رو بریدم ... حقش بود که بمیره!» بعد هم (خ) [خیرجو] و دوستانش را تهدید می‌کند که در صورت دهن لقی کردن و حرف بیجا زدن، برای خانواده‌ی آنها مشکل ایجاد خواهد کرد!

<http://it.ilearn.ir/index.php?topic=317.15;wap2>

<http://sigarchi.net/blog/?p=1103> -۴۷